



قدم به قدم، همراه دانشجو...

WWW.GhadamYar.Com

جامع ترین و به روزترین پرتال دانشجویی کشور (پرتال دانش)
با ارائه خدمات رایگان، تحصیلی، آموزشی، رفاهی، شغلی و...
برای دانشجویان

- (۱) راهنمای ارتقاء تحصیلی. (کاردانی به کارشناسی، کارشناسی به ارشد و ارشد به دکتری)
- (۲) ارائه سوالات کنکور مقاطع مختلف سالهای گذشته، همراه پاسخ، به صورت رایگان
- (۳) معرفی روش‌های مقاله و پایان‌نامه نویسی و ارائه پکیج‌های آموزشی مربوطه
- (۴) معرفی منابع و کتب مرتبط با کنکورهای تحصیلی (کاردانی تا دکتری)
- (۵) معرفی آموزشگاه‌ها و مراکز مشاوره تحصیلی معتبر
- (۶) ارائه جزوات و منابع رایگان مرتبط با رشته‌های تحصیلی
- (۷) راهنمای آزمون‌های حقوقی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۸) راهنمای آزمون‌های نظام مهندسی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۹) آخرین اخبار دانشجویی، در همه مقاطع، از خبرگزاری‌های پربازدید
- (۱۰) معرفی مراکز ورزشی، تفریحی و فروشگاه‌های دارای تخفیف دانشجویی
- (۱۱) معرفی همایش‌ها، کنفرانس‌ها و نمایشگاه‌های ویژه دانشجویی
- (۱۲) ارائه اطلاعات مربوط به بورسیه و تحصیل در خارج و معرفی شرکت‌های معتبر مربوطه
- (۱۳) معرفی مسائل و قوانین مربوط به سرگذری، معافیت تحصیلی و امریه
- (۱۴) ارائه خدمات خاص ویژه دانشجویان خارجی
- (۱۵) معرفی انواع بیمه‌های دانشجویی دارای تخفیف
- (۱۶) صفحه ویژه نقل و انتقالات دانشجویی
- (۱۷) صفحه ویژه ارائه شغل‌های پاره وقت، اخبار استخدامی
- (۱۸) معرفی خوابگاه‌های دانشجویی معتبر
- (۱۹) دانلود رایگان نرم افزار و اپلیکیشن‌های تخصصی و...
- (۲۰) ارائه راهکارهای کارآفرینی، استارت آپ و...
- (۲۱) معرفی مراکز تایپ، ترجمه، پرینت، صحافی و ... به صورت آنلاین
- (۲۲) راهنمای خرید آنلاین ارزی و معرفی شرکت‌های مطرح (۲۳)



WWW.GhadamYar.Ir

WWW.PortaleDanesh.com

WWW.GhadamYar.Org

۰۹۱۲ ۳۰ ۹۰ ۱۰۸

باما همراه باشید...

۰۹۱۲ ۰۹ ۰۳ ۸۰۱

www.GhadamYar.com

به نام خدا

جزوه درس مسئولیت مدنی

دکتر داریوش بابائی



انتشار: پانک مقالات حقوقی نشر عدالت

www.nashreederalat.ir

- | | | |
|---|---|--|
| ۱-در چهارچوب قرارداد تعهدات قراردادی | } | آنطوری که می دانیم اغلب روابط افراد در جامعه |
| ۲-و یا در چهارچوب خارج از قرارداد یا غیرقراردادی (قهری) است | | |

با وجود گستردگی بودن روابط خارج از قرارداد از روابط قراردادی و لزوم وضع مقرراتی گستردگی به منظور تنظیم این روابط، مقررات بسیار اندکی به آن اختصاص داده شده است. قواعد حقوقی با تنظیم روابط اجتماعی امکان بهره وری از امکانات را برای همه فراهم می سازد.

یکی از فلسفه‌های قواعد حقوقی استفاده همگانی از امکانات و جلوگیری از ضرر به دیگران می‌باشد.

- | | | |
|---|---|--------------|
| ۱-متعارف(اجتناب پذیر) ← که لازمه زندگی اجتماعی است | } | منظور از ضرر |
| ۲-غیرمتعارف و ناروا که در حالت عادی باید جبران شود و در قاعده لاضرر نیز، همین دسته از ضررها مطمح نظر است. | | |

اگر ما قراردادی داشته باشیم و ضروری وارد شود باید در قالب قرارداد جبران شود پس تعهدات ناشی از قرارداد طبق خود قرارداد باید جبران شود اما اگر تعهدات ما خارج از چهارچوب قرارداد باشد و غیر قراردادی باشد قانون و حکومت، حاکمیت دارد.

تعهدات قانونی عبارتند از: تعهداتی که در چهارچوب قرارداد گنجانده نمی شوند «تعهدات قانونی که بر اشخاص تحمیل می شود»

تعهدات قانونی ۳ نوع هستند:

- ۱- همه افراد ملکف هستند به آبروی دیگران احترام بگذارند.
- ۲- همه افراد مکلف هستند به جان افراد احترام بگذارند.
- ۳- همه افراد مکلف هستند به مال دیگران احترام بگذارند.

و نقض هر کدام از این تعهدات قانونی مسئولیت شخص ناقص را به عهده دارد و نقض این تعهدات باید توسط شخص ضرررسان جبران گردد و این نوع مسئولیت از نوع غیرقراردادی است.

آیا ممکن است تعهدی هر ۳ جنبه را داشته باشد؟ بله

تا ضرر وارد نشود مسئولیت مدنی مطرح نیست ضرر حتماً باید به وقوع پیوسته باشد و قابل پیش بینی باشد. و تا زمانی که ضرر مسلم نشود نمی توانیم بگوییم شخص مسئولیت دارد در تنظیم قراردادها اراده اشخاص هستند و این اراده اشخاص است که باعث تنظیم قرارداد می شود ولی در تعهد خارج از قرارداد اراده افراد پذیرفته نیست. پس ایجاب می کند قانون در تنظیم روابط دامنه مداخله اش را افزایش دهد. با این همه شاهد هستیم که قواعد حقوقی مربوط به حوزه قراردادی در تحقیقات و تأییفات و حتی قانون مدنی بیشتر به تعهدات قراردادی پرداخته است و موضوعات تعهدات غیرقراردادی امروزه با پیشرفت زندگی بیشتر از تعهدات قراردادی است. ولی در این خصوص با نقض تحقیقاتی و قانونی روبرو هستیم.

چرا بحث تعهدات قراردادی در قانون مدنی بیشتر وجود دارد؟ که دو عامل در بیشتر بودن قوانین حوزه قراردادی نقش داشته که عبارتنداز:

۱- عامل تئوریک: در دوره‌ای اصل حاکمیت اراده شکل گرفته این تصور ایجاد شد که هیچ شخصی متعهد نیست مگر اینکه به اراده خویش آن تعهد را پذیرفته باشد مفاد تعهد را خود شخص صاحب اراده پذیرفته و ایجاد کرده پس نمی‌توان آن را رد کند. قواعد حقوقی باید تعهداتی را که افراد قبول کرده‌اند تنظیم نماید و خارج از تعهدات قراردادی تعهد و نقض آن معنی نخواهد داشت. و قاعده‌ای لازم نیست بر آن حاکم باشد.

۲- عامل عینی (واقعی): در گذشته نظام‌های حقوقی احساس نمی‌کردن که در چهارچوب روابط غیرقراردادی حجم وسیعی از قواعد را وضع کنند. هم چنین در گذشته امکان ضرررسانی افراد به یکدیگر کمتر بود و نیاز به وضع قوانین بیشتری احساس نمی‌شد. با گذشت زمان هر دو عامل دگرگون شد، به همین خاطر کشورهایی که دارای نظام حقوقی پیشرفت‌های بودند حجم قواعد مربوط به روابط غیرحقوقی را گسترش دادند.

غیرقراردادی: همانطور که بیشتر یادآور گشته است.

ضمانت قهری در ماده ۳۰۷ قانون مدنی چهار نوع را بررسی کرده:

۱- غصب و آنچه در حکم غصب است ۲- اتلاف ۳- تسبیب ۴- استیفاء

مسئول: کسی که از آن سؤال می‌شود (یا در معرض سوال قرار می‌گیرد)

مسئولیت: ضرورت پاسخ‌گویی در مورد کاری (واژه مسئولیت را در جایی مطرح می‌کنند که شخصی عملی انجام داده و بابت آن عمل از وی سوال می‌شود و باید پاسخ گو باشد)

واژه مسئولیت مدنی در جاهای مختلف معانی متعدد دارد:

۱- مسئولیت حقوقی در مقابل مسئولیت غیرحقوقی یا اخلاقی

۲- مسئولیت کیفری در مقابل مسئولیت غیرکیفری یا مدنی

۳- مسئولیت قراردادی در مقابل غیرقراردادی ضمان قهری

وجه اشتراک هر ۳ مورد هنگامی مطرح می‌شود که شخص مسئول کاری را که نباید انجام دهد انجام می‌دهد و کاری را که باید انجام دهد را انجام نمی‌دهد. به عبارت دیگر عملی خلاف هنجارها (بایدها نبایدهای جامعه انجام دهد و بواسطه آن در معرض سوال قرار گرفته و موظف خواهد بود کار خلاف خود را جبران کند.

مسئولیت مدنی: تعهد به جبران خسارت ناشی از نقض یک تعهد قراردادی یا تعهدات قانونی

نسبت مسئولیت حقوقی و اخلاقی : همان نسبت میان اخلاق و حقوق است

چرا که بیشتر قواعد حقوقی ما از اخلاق متأثر شده ، مثلاً اصل لزوم هم اخلاقی و هم حقوقی است

احترام گذاشتن به اراده اشخاص ⇔ اخلاقی

و لازم الاجرا بودن قرارداد نسبت به طرفین ⇔ حقوقی

اما بسیاری از مسائل اخلاقی ضمانت اجرایی ندارد مثل دروغ و غیبت کردن

دانشجویی به ۴ ماه حبس محکوم شده بعدها ۴ ماه به همکلاسی خود مراجعه می‌کند تا جزووهای این مدت غیبت را از او بگیرد اما همکلاسی جزووه را به صورت ناقص به او می‌دهد و شخص نمره نمی‌آورد و متضرر می‌شود. آیا جنبه حقوقی دارد یا اخلاقی چرا؟ مسئولیت اخلاقی صرف ندارد اما مسئولیت اخلاقی که منتهی به حقوقی شود را دارد

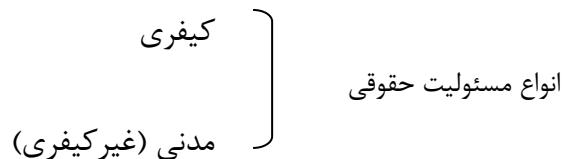
تفاوت بین مسئولیت اخلاقی و حقوقی

۱- مسئولیت اخلاقی عبارت است از پاسخ‌گویی افراد در برابر وجдан خویش و خدا ولی مسئولیت حقوقی عبارتست از پاسخ‌گویی فرد در مقابل انسانها^۲ و هدف از قائل شدن مسئولیت اخلاقی تعالی روح و تهذیب نفس است اما در مسئولیت حقوقی به منظور جبران خسارت مطرح می‌شود.

۳. بواسطه مسئولیت اخلاقی نمی‌توان شخص را در دادگاه مواخذه کرد و جبران خسارت از او خواست اما در مسئولیت حقوقی الزام شخص به جبران خسارت از طریق دادگاه

۴- برای تحقق مسئولیت اخلاقی لازم نیست رفتار یک شخص منجر به ورود ضرر به دیگری شود یک رفتار ولو ضرر بیرونی برای دیگری نداشته باشد. منجر به مسئولیت اخلاقی فرد می‌شود لیکن برای مسئولیت وجود ضرر خارجی ضروری است.

۵- در حوزه اخلاق معیار ذهنی و نسبی است اما در حقوق معیار ارزیابی رفتار اشخاص عینی و نوعی است. اگر بخواهیم در حوزه اخلاق کسی را مسئول بدانیم باید فاکتورهای دیگر مثل؛ سن، توانایی، وضعیت، مذهب، نوع تربیت، فرهنگ را در نظر بگیریم اما در حقوق معیار نوعی است. به عبارت دیگر برای احراز مسئولیت حقوقی و مواخذه‌ی شخص رفتار فرد یا نوع مردم و رفتار متعارف جامعه مقایسه می‌شود.



پیک موتوری فرار بوده در ساعت معین بلیط هواپیمایی را به فرودگاه برای شخص الف ببرد اما در مسیر بعد از چراغ قرمز با شخصی تصادف می‌کند که آن شخص گلدان عتیقه‌ای هم در دست داشت با موتور تصادف می‌کند و گلدان می‌شکند و در موقع مقرر به فرودگاه نمی‌رسد چه کسی مسئول است؟

جلسه دوم

وجه اشتراک مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی نقض یک هنجار حقوقی می‌باشد

تفاوت: ۱- در مسئولیت کیفری:

خسارت متوجه جامعه است اما در مسئولیت مدنی خسارت متوجه اشخاص است (هر چند حوزه کیفری نیز ممکن است خسارت شخصی مطرح گردد، اما آنچه در درجه نخست دارای اهمیت است، خسارت واردہ به جامعه است)

۲- در مسئولیت کیفری ارزیابی احراز مسئولیت معیارهای شخصی است اما در حوزه مدنی ارزیابی معیارهای نوعی است در مسئولیت کیفری چه در احراز جرم و چه در تعیین کیفر یعنی به شخص مجرم و نوع جرمی که مرتکب می‌شود و احراز سوء نیت مهم است شخص مرتکب کننده نقش تعیین کننده دارد. ضمناً وضعیت روحی و شخصی فرد هم توجه می‌شود.

قتل را چه کسی انجام داده و نتیجه از قتل چه بوده اما در مسئولیت مدنی نوعی است رفتار متعارف افراد در جامعه سنجیده می‌شود.

۳- در مسئولیت کیفری ۲ اصل مهم است ۱) اصل قانونی بودن جرم و مجازات ۲) تفسیر مضيق به نفع متهم در مسئولیت کیفری باید عمل طبق قانون جرم شناخته شود و فراتر از آنچه قانون اعلام کرده را نمی‌توانیم انجام دهیم و شخص معلم است اگر عملی که شخص انجام داده جرم محسوب شد ما می‌توانیم او را مجازات کنیم. اما بنظر می‌رسد بخاطر جایگاه علمیش در مجازات او تخفیف ایجاد شود.

در جرایم کیفری هیچ وقت نباید تشابه قرار دهیم و نباید بین دو جرم مقایسه انجام دهیم، برای مثال گفت: از آنجا که فلان عمل قانوناً جرم است این عمل که مسلمان شدیدتر است به طریق اولی جرم است در مسئولیت مدنی هرگاه از باب فعل ترک فعل و خسارتی به افراد وارد شود در صورتی که شخص مقصراً باشد باید جبرانه خسارت کند (البته یک عمل یا رفتار می‌تواند هم مسئولیت کیفری داشته باشد، هم مسئولیت مدنی).

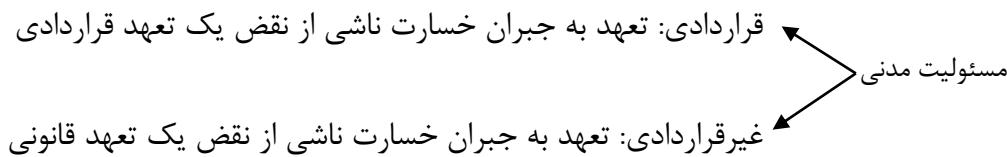
در بحث صغار و مجانین: مسئولیت مدنی و کیفری به چه شکل است؟

در مسئولیت مدنی عمل صغیر و مجانین باعث ایجاد مسئولیت مدنی است.

► اما در مسئولیت کیفری صغار و مجانین دارای مسئولیت کیفری نیستند

«چرا که روحًا در وضعیتی بسر می‌برند که نمی‌توانند پی آمد رفتار خویش را تشخیص دهند.»

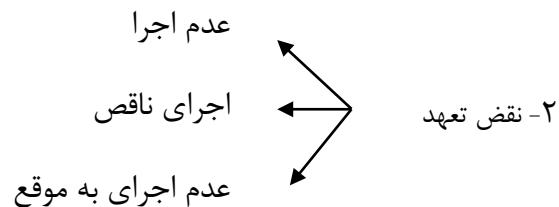
آیا دیه خسارت است یا مجازات؟



مسئولیت مدنی (در معنای خاصی آن و در برابر مسئولیت کیفری): تعهد به جبران خسارات ناشی از نقض یک تعهد قراردادی یا قانونی

وجوه اشتراک مسئولیت مدنی قراردادی و غیرقراردادی

۱. وجود تعهد (در هر دو باید تعهدی باشد)



۳- وجود خسارت ناشی از نقض تعهد

۴- مسئولیت شخص و لزوم جبران خسارت

برای تشخیص مسئولیت چه باید کرد؟

۱) اثبات اینکه تعهد اعم از قانونی و قراردادی بر عهده شخص ثابت شده باشد.

۲) آن شخص تعهد را به نحوی نقض کرده باشد.

۳) در نتیجه نقض تعهد، خسارت وارد شده باشد. در این صورت است که شخص مسئول شناخته شده و بایستی خسارت وارده را جبران کند.

تفاوت مسئولیت و تعهد:

مسئولیت بخشی از تعهد است یعنی اول تعهد باید ایجاد شده باشد سپس مسئولیت ایجاد می‌شود.

۱. تعهد اولیه (عام) \Leftrightarrow تعهد ناشی از قرارداد یا قانون
۲. تعهد ثانوی \Leftrightarrow مسئولیت

بطور کلی تعهد دو نوع است

پیامد نقض تعهد اولیه، تعهد ثانویه است، یعنی در نتیجه نقض تعهدات ناشی از قانون یا قرارداد مسئولیت ناقص مطرح می شود

تعهد

- ۱- اولیه: ناشی از اجرای قانون یا قرارداد است.
- ۲- ثانویه: که باعث مسئولیت می شود ایجاد مسئولیت می کند.

پیامد نقض تعهد اولیه، تعهد ثانویه است

سوال ها:

۱- اگر ولی یک طفل، فرزندش را در مدرسه دولتی ثبت نام می کند بیان نماید که رابطه او با مدرسه قراردادی است یا غیرقراردادی است؟

۲- در صورت وقوع خسارت کدام قواعد بر مسئولیت حاکم است؟ (دانش آموز)

۳- اگر قراردادی چرا و اگر غیرقراردادی است چرا؟

اگر شخص در گوشه خیابان از حال برود و توسط افراد خیرخواه به بیمارستان منتقل شود و این افراد هزینه این بیمار را متقبل نشوند رابطه آن قراردادی است یا غیرقراردادی (رابطه بیمار با بیمارستان)؟

اگر شخص خودش به بیمارستان برود چه رابطه‌ای وجود دارد؟

جلسه سوم

تفاوت تعهد ثانویه و اولیه:

- الف: موضوع تعهد اولیه؛ می تواند هر چیزی باشد
- ب: موضوع تعهد ثانویه یا مسئولیت؛ منحصرًا یک چیز است فقط جبران خسارت می باشد
- ۱- تفاوت در موضوع
- ۲- تفاوت در منشاء
- منشاء در تعهد اولیه یا قانون است یا قرارداد
- منشاء در تعهد ثانویه منحصرًا قانون است

آیا مسئولیت قراردادی فقط منشاء آن نقض قرارداد است؟

فراموش نشود که در مسئولیت قراردادی نیز منشاء مسئولیت از حکم قانون است اما بدین جهت که نقض قانون(نیست) نقض یکی از شرایط و تعهدات قراردادی است.

مسئولیت قراردادی: مسئولیت قانونی ناشی از نقض قرارداد

مسئولیت مدنی در معنای خاص(ضمانت قهری): تعهد به جبران خسارت ناشی از نقض یک تعهد قانونی

برای تشخیص مسئولیت قراردادی از قانونی(غیر قراردادی)، ابتدا شرایط تحقق مسئولیت قراردادی را برس می کنیم چرا که هر گاه یکی از این شرایط موجود نباشد مسئولیت غیرقراردادن مطرح می شود

شرایط تحقق مسئولیت قراردادی

۱- وجود قرارداد: پیش از به وجود آمدن زیان قراردادی، قراردادی بین طرفین منعقد گردیده باشد.

در غیر اینصورت پیش از وارد امدن خسارت در صورت عدم وجود قرارداد، مسئولیت قراردادی مطرح نمی شود.

۲- نقض تعهدات قرارداد

۳- نقض تعهدات قراردادی توسط یکی از طرفین قرارداد

شرط اول

در عقود اصل بر رضائی بودن قراردادها است یعنی عقد به صرف توافق (ایجاب و قبول محقق می شود) و شرایط صحت قرارداد و م ۱۹۰ ق.م رعایت شود. ۱) قصد و رضای طرفین ۲) اهلیت طرفین ۳) موضوع معین ۴) جهت مشروع باشد

اگر طرفین قبل از اینکه قراردادی منعقد بکند آیا صرف رابطه قراردادی سابق برای مسئولیت کافی است.

- هر اتفاقی قبل از ایجاب و قبول ایجاد شود مشمول مسئولیت قراردادی نیست

- اگر پس از پایان قرارداد باشد باز هم ایجاد مسئولیت می کند.

اگر در زمان دوران مذاکره نهایی اتفاقی بیافتد ⇔ ایجاب و قبول اولیه صورت گرفته اما قرارداد نهایی نشده مسئولیت قراردادی است.

پس از پایان قرارداد هر اتفاقی بیافتد موجب مسئولیت قراردادی نمی‌گردد لازم نیست در قرارداد تصريح شود که اگر بعداً اتفاقی افتاد مسئول هستیم اما ناشی از مسئولیت غیرقراردادی مسئول است به طور ضمنی

شرط دوم

صرف یک قرارداد برای یک مسئولیت قراردادی کافی نیست بلکه زیان زننده باید یکی از تعهدات در قرارداد را نقض بکند.

جواب سوال‌های جلسه قبل

۱- در مدرسه دولتی رئیس مدرسه طرف ما نیست طرف ما دولت و آموزش و پرورش است. آیا دولت در قبال این مدرسه تعهد داشته و جز وظایف او بوده یا نه، یکی از وظایف دولت آموزش است ناشی از وظیفه آموزش رایگان است پس رابطه مسئولیت غیرقراردادی و قانونی است.

پیمانکار پیمانی را انجام داده که اگر ۱۰ سال بعد اتفاق بیافتد باز هم مسئول است ناظر هم مسئول است چون یکی از وظایف قانونی ناظر این بوده که طبق استاندارد کارش را صحیح انجام دهد پس باز هم مسئول است.

۲- اما در مدارس غیرانتفاعی چگونه است؟ در مدارس دولتی ایجاب و قبول صورت نمی‌گیرد چون وظیفه قانونی اوست.

اما در مدارس خصوصی، در قبال مبلغ آموزش می‌دهد و ایجاب و قبول صورت می‌گیرد ناشی از قرارداد و ایجاب و قبول بین طرفین است

﴿ خانمی کوچه را نظافت می‌کرده به دیوار مدرسه برخورد کرده و به آن طرف دیوار افتاده و به او صدمه وارد شده آیا یکی از وظایف خانم نظافت کوچه بود یا خیر؟ اما چون جز وظایف او نبوده و قرارداد وجود نداشته و قانونی هم نبوده مسئولیتی هم وجود ندارد

۱- شخصی بلیط می‌گیرد سوار اتوبوس می‌شود و اتفاق می‌افتد؟

۲- شخص بلیط نمی‌گیرد سوار اتوبوس می‌شود و برای او حادثه‌ای اتفاق می‌افتد؟

کدام رابطه قراردادی کدام غیرقراردادی است چرا؟

جواب اول

وقتی فرد بلیط می گیرد قراردادی است اما ناشی از عقد نیست چون باید بگوییم فروختم خریدم و ناشی از عقد معاطاتی است و ناشی از تسلیم و تسلم است لفظی ایجاد نشده اما تسلیم و تسلم اتفاق افتاده مسئولیت قراردادی است. هر چند در قرارداد ایجاب و قبول باید واقع شود اما در بیع معاطاتی وضعیت بگونه که بیان شد و لفظی اتفاق نمی افتد.

جواب دوم

حمل و نقل عمومی جز وظایف قانونی هستند یا خیر مسئولیت ناشی از قانون است و به سلامت رساندن کسانی که سوار اتوبوس می شوند جز وظایف قانونی شرکت حمل و نقل است.

► تاکسی عمومی- مسئولیت قراردادی دارد. اما ماشین سواری:

راننده حافظ جان و سلامت اشخاص هستند ناشی از قانون است و رابطه قانونی ایجاد می شود.

راننده تاکسی موقع پیاده کردن مسافر، مسافر از درب مخالف پیاده می شود و در اثر برخورد با عابر پیاده موجب فوت و یا خسارت به عابر می شود مقصراًن چه کسانی هستند؟.

راننده فقط باید در ایستگاه مسافر را پیاده کند اما آیا راننده هم مقصراً است؟ یا مسافر تنها مسئول است؟

رابطه راننده و مسافر قراردادی است راننده مقصراً است چون باید به مسافر برای باز کردن دری که مسافر نباید پیاده شود هشدار می داد و رابطه مسافر با عابر مسئولیت قانونی است چون غیرقانونی در را باز کرده.

هم راننده مسئول است هم مسافر باید بینیم مسبب یا سبب کدام اقواتر است اگر راننده هشدار می داد این اتفاق نمی افتاد پس راننده بیشتر مقصراً است.

جلسه چهارم

شرایط تحقق مسئولیت قراردادی

۱- وجود قرارداد

۲- نقض تعهدات قراردادی

۳- نقض تعهدات قراردادی توسط یکی از طرفین قرارداد

۱. وجود قراداد: بدیهی است آن جا که بین طرفین (زیان زننده و زیان دیده) پیش از وارد آمدن زیان و خسارت هیچ توافق و قراردادی وجود ندارد و مسئولیت قراردادی مطرح نمی گردد با توجه به اینکه در نظام حقوقی ما، اصل بر رضایی بودن عقود است، یعنی عقد به صرف توافق (ایجاب و قبول محقق می شود) و علی الاصول تشریفات خاصی ندارد، یعنی می تواند شفاهی و معاطاتی باشد تشخیص این امر که آیا واقعاً بین زیان زننده و زیان دیده از قبل قراردادی منعقد شده است یا خیر در پاره ای موارد دشوار است.

۱. همچنین ضرف وجود رابطه قراردادی برای تحقق مسئولیت قراردادی کافی نیست.

۲. هر اتفاقی که پیش از ایجاب و قبول بیفتند مشمول رابطه قراردادی است.

۳. پس از پایان قرارداد نیز هر اتفاقی که بیفتند غیرقراردادی است.

مثال: هرگاه در حین مذاکرات قراردادی، یکی از طرفین عملی خسارت آور انجام دهد مسئولیتی که برای او مطرح می گردد، از نوع غیر قراردادی است.

ممکن است قبل از انعقاد قرارداد نهایی، طرفین مذاکره کننده بین خودشان قرارداد اولیه را منعقد کنند و زمینه قرارداد نهایی را فراهم آورند که به این قراردادها اصطلاحاً «پیش قرارداد»، می گویند.

نقض تعهدات ناشی از پیش قراردادها نیز مسئولیت قراردادی را در پی خواهد داشت.

۲. نقض تعهدات قراردادی:

همچنین ضرف وجود یک رابطه قراردادی معتبر بین طرفین کافی نیست و باید یکی تعهدات نقض شده باشد نقاش در حین نقاشی ساختمان در حین انجام کار شیشه ماشین همسایه را می شکند آیا این رابطه غیرقراردادی است بله تعهدات بین نقاش و مالک نسبت به رنگ ساختمان است نه نسبت به شکستن شیشه ماشین همسایه باید توجه داشت علاوه بر تعهدات صریحی که بین طرفین مستقیماً به آن اشاره می کنند، ممکن است تعهدات و شروطی ضمنی هم از قرارداد استخراج و بر عهده طرفین ثابت شود.

بعضی از عقود آثاری به دنبال دارند شرط ضمن عقد یا اثارات ناشی از عقد رابطه قراردادی است مثلاً نکاح

آیا نفقة قراردادی است یا غیرقراردادی؟

عقد نکاح بین زوجین یک رابطه قراردادی است و طبق این رابطه قراردادی نفقة به وجود می‌آید ماده ۲۲۰ ق.م علاوه بر تعهدات صحیح ناشی از عقد ممکن است عرف یا قانون آثار دیگری را برطرفین تحمیل بکند

عقود نه تنها متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده ملزم می‌نماید بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود ملزم می‌باشد.

۳. نقض تعهدات قراردادی به وسیله یکی از طرفین:

تنها خسارتبه قابل مطالبه است که توسط یکی از طرفین عقد در نتیجه تعهدات قانونی ناشی از عقد به یکدیگر وارد می‌کنند در قالب مسئولیت قراردادی قابل مطالبه است

عبارت دیگر اگر شخص ثالث زیان زننده باشد می‌توان تحت عنوان مسئولیت قراردادی آن را قرارداد. ماده ۲۱۹ اصل نسبی بودن قرارداد بین طرفین و قائم مقام برقرار است. و مسئولیت شخص ثالث (زیان زننده غیر قراردادی است .

یک استثناءم ۱۹۶ کسی که معامله می‌کند آن معامله برای خود آن شخص محسوب است مگر اینکه در موقع عقد خلاف آن را تصریح نماید یا بعداً خلاف آن ثابت شود معذلک ممکن است در ضمن معامله که شخص برای خود تعهدی می‌کند تعهدی به نفع شخص ثالث بنماید. آیا در اینجا قراردادی می‌شود یا غیر قراردادی. همیشه عقود نسبت به طرفین مسئولیت قراردادی است مگر اینکه تعهد به نفع شخص ثالث شده باشد و ثالث هم بپذیرد در اینجا قراردادی می‌شود و فرض دارد (۱) یکی از طرفین قرارداد تعهد خویش را نقض میکند و در نتیجه علاوه بر طرف قرارداد به ثالثی خسارتبه وارد می‌شود

(۲) شخص ثالث با یکی از طرفین قرارداد تبانی میکند و باعث می‌شود که طرف مذکور تعهد خود را نقض میکند و در نتیجه به طرف مقابل خسارت وارد می‌شود

(۱) فرض نخست:

قراردادی بین طرفین منعقد می‌شود و این قرارداد نسبت به طرفین قراردادی است ولی شخص ثالث نسبت به این قرارداد ذی نفع می‌باشد. یا خیر شرکت آسانسور برای او تعهد می‌کند با دانشگاه که آسانسوری ایمن و

مطمئن نصب کند در اینجا تعهد قراردادی است در اینجا شرکت آسانسور و مسئولیتش در برابر ثالث تبدیل است اما افرادی که از این استفاده می‌کنند بتوانیم اثبات کنیم ذی نفع هستند پس مسئولیت قراردادی است حال اگر سوار شد و به آنها خسارت وارد شد. اما برخی معتقدند چون شرط سوم تحقق مسئولیت قراردادی را ندارد مسئولیت او غیر قراردادی است حالتاً اگر ثالث:

۱- یا اطلاع داشته که آسانسور خراب است

۲- یا اطلاع نداشته که خراب است.

شخص ثالث در هر صورت ذی نفع است طبق ماده ۲۱۹ اما اگر شخص اطلاع نداشته که خراب بوده مسئولیت شرکت را نفی نمی‌کند در هر صورت وظیفه قانونی شرکت آسانسور ایجاد آسانسوری مطمئن و این جهت جایی اشخاص و سالم رساندن از مبدأ به مقصد است و نیاز به اثبات دارد.

اما در فرض اول نیاز به اثبات ندارد

A- کارفرما دانشگاه آزاد B- با کارگر قرارداد منعقد می‌کند که وظایف نظافت را انجام دهد.

کارگر با کارفرمای دوم قرارداد منعقد می‌کند.

D قراردادی است اما B,A

در هر دو صورت کارفرما مسئولیت دارد به نوعی غیرقراردادی است اما اگر اطلاع از کارفرمای اول نداشته باشد رافع مسئولیت است اما اگر اطلاع داشته رافع مسئولیت نیست.

تفاوت بین مسئولیت قراردادی و غیرقراردادی

۱- اثبات تقصیر بر عهده کیست

۲- میزان خسارت قابل مطالبه چقدر است

۳- مرجع صالح طرح دعوا کدام دادگاه است

اثبات تقصیر به عهده کیست؟

۱- در مسئولیت قراردادی: زیان دیده نیازی به اثبات ندارد به واسطه عقدی از عقود ذمه او مشغول می شود چنانچه تعهد را نقض کند صرف نقض تعهد تقصیر او را می رساند مگر اینکه عدم تقصیر خویش را اثبات بکند.

۲- مسئولیت غیرقراردادی: اما در اینجا زیان دیده باید تقصیر زیان زننده را اثبات کند در واقع زیان دیده علاوه بر اثبات خسارت و نشأت گرفتن آن ناشی از فعل یا ترک فعل زیان زننده را باید اثبات کند.

آیا زیان دیده مسئولیت قراردادی را ترجیح می دهد یا غیرقراردادی؟

قراردادی را ترجیح می دهد چون نیازی به اثبات ندارد

تولیدکننده - عرضه کننده - مصرف کننده



کالای، مایع پریل Pril

رابطه قراردادی است مثل بیع معاطاتی تسلیم و تسلم صورت گرفته در هر ۲ مورد مصرف کننده می تواند نسبت به تولید کننده شکایت کند. اما در فرض اول رابطه مصرف کننده و تولید کننده قهری است بنا براین او بایستی تقصیر تولید کننده را اثبات کند این کارگاهًا دشوار است برای اینکه مصرف کننده از اثبات تقصیر (تولید کننده) یک رابطه حقوقی بین تولید کننده و مصرف کننده فرض کرده اند که به موجب آن تولید کننده عملاً و ضمناً در برابر همه مصرف کنندگان متعهد می شود که کالایش مصون از معایب باشد) (تضمين ایمنی کالا)، بعض

از حقوقدانان معتقدند بین تولید کننده و مصرف کننده رابطه مستقیم وجود ندارد اما تولید کننده مسئول و ضامن جان مصرف کننده است پس مسئولیت قراردادی است، مسئول سلامتی و ایمنی کالاست اما دکتر کاتوزیان به خاطر واسطه و بحث قهری و قانونی و مسئولیت غیرقراردادی را مطرح می کند اما نظر مسئولیت قراردادی ارجح و به نفع زیاندیده است. به همین خاطر می باشد که در بسیاری از موارد باذ آنکه قراردادی بین طرفین (زیان دیده و زیان زننده) وجود دارد زیاندیده به جای آنکه در قالب مسئولیت غیر قراردادی از طرف مقابل خسارت مطالبه کند؛ به دنبال اثبات وجود یک رابطه قرار دادی باز زیان زننده می گردد تا از آن رهگذر بدون نیاز به اثبات تقصیر خسارتی را بگیرد

۲- میزان خسارت چقدر قابل مطالبه است

۱- مسئولیت قراردادی ماده ۲۳۰ ق.م

اگر خسارت مشخص شود نمی‌توان بیشتر از آن درخواست کرد

۲- وقتی مسئولیت غیرقراردادی مطرح است همه خسارت قابل مطالبه است مشروط براینکه خسارت ناشی از فعل زیان زننده باشد. لیکن در مسئولیت قراردادی تنها خسارت قرار دادی را می‌توان مطابه نمود یعنی طلب کار فقط می‌تواند خسارت ناشی از عدم ایفای تعهد را از مديون طلب نماییم همچنین اگر میزان خسارت قابل مطالبه درعقد ذکر شده باشد تنها همان میزان را می‌توان مطالبه کرد

۳- مرجع صالح طرح دعوا

- دادگاه محل اقامت خوانده

دعوای مسئولیت قراردادی را در ۱- دادگاه صالح محل انعقاد عقد

سه دادگاه می‌توان مطرح کرد

۱- دادگاه صالح محل اجرای عقد

۱۱ مسویب غیرقراردادی فقط می‌تواند دادگاه محل اقامت خوانده باشد. روشن است که از این نظر نیز مسئولیت قراردادی به حال زیان دیده مناسب است

جلسه پنجم

اصل نسبی بودن مسئولیت حاکم است یا اصل تضامنی بودن مسئولیت؟

اگر بپریم در مسئولیت غیر قراردادی اصل بر تضامنی بودن مسئولیت است و نسبی بودآن آنها استثناء است یک تفاوت جدی بین مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی را پذیرفته ایم دیدگاه سنتی در نظام حقوقی ما خلاف این نظر است یعنی در مسئولیت غیر قراردادی نیز اصل بر نسبی ما مسئولیت است

غیرقراردادی اصل تضامن بودن

در مواردی ممکن است هم شرایط مسئولیت قراردادی فراهم باشد و هم شرایط مسئولیت غیر قراردادی که سئوالاتی مطرح می‌شود

۱- که ایا امکان انتخاب نوع دعوا براساس مسئولیت قراردادی یا غیرقراردادی برای زیان دیده وجود دارد یا خیر؟

۲- و آیا امکان جمع بین در مسئولیت وجود دارد یا نه؟

اگر در یک تصادف رانندگی منجر به خسارت شود (سقف بیمه ۳ میلیون)

۱- میزان خسارت وارد ۴ میلیون تومان باشد بدون افت قیمت

۲- خسارت مالی ۳ میلیون است و یک میلیون افت قیمت داشته باشد

عنوان طرح دعوا به چه شکل است ایا می توان دو زیان را مطرح کنیم و در یک دادخواست آن را ارائه داد؟

► ابتدا حوزه مسئولیت قراردادی و غیرقراردادی را باید مشخص کنیم

هر گاه مورديکه در آن دو تا اتفاق رخ دهد و در این دو اتفاق هم مسئولیت قراردادی و هم غیرقراردادی موجب مسئولیت زیان زننده باشد در این مورد اتفاق نظر وجود دارد که زیان دیده می تواند دو خسارت مطالبه کند، در فرض دو (۳ میلیون خسارت و افت قیمت) موردي که هم موجب مسئولیت قراردادی و هم غیرقراردادی می شود تردیدی وجود ندارد از هر دو جهت مسئولیت قراردادی و غیرقراردادی می توان زیان زننده را تحت تعقیب قرار داد. حادثه و افت قیمت دو خسارت مطالبه می شود.

زیان وارد جبران شود اما می توان ۳ میلیون را روی مسئولیت قراردادی و ۱ میلیون را تحت عنوان مسئولیت غیرقراردادی مطرح کنیم نظریه اقلیت زیان دیده نمی توان مطالبه دو خسارت را بکند.

نظریه اکثریت معتقد هستند به میزان زیانی که به زیان دیده زیان وارد شده باید جبران شود.

در فرضی که ۳ میلیون را بیمه می دهد و ۱ میلیون مسئولیت غیرقراردادی دیدگاه وجود دارد ۱- آنچه خسارت باید جبران شود نباید با توجه به قراردادی بودن و غیرقراردادی بودن زیان دیده را محصور کرد و هرگاه در اثر تقصیر خسارت وارد شود زیان دیده می تواند مطالبه کل خسارت خود را بنماید.

دیدگاه دوم

اما دکتر شهیدی هر جایی که قرارداد وجود دارد نمی‌توان قرارداد را نادیده بگیریم و از باب ضمان قهری مطالبه خسارت کنیم با توجه به اصل حاکمیت اراده و اصل لزوم قراردادها مانع از حق مطالبه خسارت توسط زیان دیده می‌شود.

دیدگاه اول در نظام حقوقی ما بیشتر مورد قبول است.

مبنای مسؤولیت غیرقراردادی

۱- نظریه تقصیر: هرگاه فرد مرتکب تقصیر شود باید جبران خسارت شود آیا در هر دو مسؤولیت به یک شکل است در مسؤولیت قراردادی فرد حتماً باید مرتکب تقصیر و نقض تعهد شود و نیازی به اثبات تقصیر نداریم اما در مسؤولیت غیرقراردادی، اصل بر عدم تقصیر است از آنجایی اصل بر عدم تقصیر است عدم مسؤولیت باز اثبات بر عهده زیان دیده است اما ۲- نظریه خطر همین که کسی برای دیگری خطر یا ضرری به وجود بیاورد و باید آن را جبران کند.

اگر خسارتی وارد شد چه مرتکب تقصیر شده باشد باشد باید جبران خسارت کند و اکثر نظامهای حقوقی اصل را بر تقصیر می‌گذارند و نظام حقوقی با هم اکثریت به نظریه تقصیر هستند و ماده ۱ مسؤولیت مدنی مسؤولیت جایی مطرح می‌شود که فرد مرتکب تقصیر شود

مسؤلیت تقصیر مطلق نیست و ۲ استثناء وجود دارد

۱- اتلاف

۲- بحث مسؤولیت قانون بیمه اجباری و مسؤولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص برای دارنده اتومبیل ایجاد کرد.

طبق این قانون وقتی یک اتومبیل دارد حرکت می‌کند و با یک فرد تصادف می‌کند اینجا چه مرتکب تقصیر شده باشد چه نشده باشد چون خسارت وارد شده باید جبران کند.

در حقوق ما قاعده کلی این است که مسؤولیت ناشی از تقصیر باشد و مسؤولیت بدون تقصیر یا محض، استثنای است در همه تعریف‌ها تقصیر یک عنصر مشترک وجود دارد (ناصواب بودن آن است)

۱- آنچه در تعرف تقصیر گفته اند : تقصیر کاری است نامشروع که قابل انتساب به مرتکب باشد .

برای تقصیر دو عنصر گوناگون شناخته اند: ۱- عنصر نوعی یا نامشروع بودن نفس عمل
۲- عنصر شخصی یا قابلیت استناد کار نامشروع به فاعل آن
* ۱- عنصر نوعی: هر کاری با قانونی مخالف باشد بیگمان تقصیر است.

تجاوز به قواعد رانندگی و عبور و مرور در جاده ها



قانونی باشد ← چه قانونی چه قراردادی ← مفهوم تقصیر را نمی توان محدود کرد به تجاوز از قوانین کرد.

به هر حال قید (بدون مجوز قانونی در م.ا.م. نامشروع بودن تقصیر در نوشه های حقوقی به شیوه های گوناگون «۱- صدمه به حق شخصی ۲- تجاوز به قانون ۳- رفتار نامناسب) جلوه گر شده است.

* ۲- عنصر شخصی یا قابلیت استناد کار نامشروع به فاعل آن: کاری را تقصیر می توان شمرد که مجرم از بابت انجام آن قابل سرزنش باشد جدا کردن انسان عاقل - از صغیر و مجنون

* ۳- تجاوز از تعهد با اجرا نکردن تعهد: تجاوز از تعهدی که شخص بر عهده داشته (راننده ای که گردش به چپ می کند و تصادف بوجود می آورد).

* ۴- تجاوز از متعارف یا هنجار اجتماعی: بر این اساس تقصیر عبارتست از انجام دادن کاری که شخص باید از انجام آن پرهیز کند تا خود داری از عملی که باید انجام دهد.

در مسئولیت کیفری نیت مجرم مورد توجه است ولی در مسئولیت مدنی نفس تجاوز م ۹۵۱ و ۹۵۲ ق.

* } تجاوز } تعدی

آتشی در کنار پمپ بنزین ، بازی با اسلحه پر ----- انسان معقول متعارف

در تعریف تقصیر می توان گفت: تجاوز از رفتاری است که انسانی معقول و متعارف در همان شرایط حادثه دارد (پیروی از رفتار انسانی متعارف لازمه احتیاطات)

روش‌های تعديل نظریه تقصیر:

۱- تفکیک تقصیر به نوعی و شخصی: درست است که تقصیر شرط مسئولیت است اما باید توجه داشت منظور از این تقصیر نوعی است نه شخصی در تقصیر نوعی حتی مجنون و صغیر نیز مرتكب تقصیر می شوند. ماده ۱۲۱۶ قانونی مدنی . البته مسئولیت کودکی که در جهت شادابی کار خطرناکی مرتكب می شود از نظر اخلاقی نباید رفتار او را افراد بالغ مقایسه کنیم از نظر حقوقی خردسالی و بی تجربگی کودک را از مسئولیت مالی نمی رهاند ولی در تمیز درجه تقصیر موثر است (سرپرست مجنون و کودک باشد جبران کند)

۲- تقصیر مفروض: در پاره ای امور گفته می شود که هر چند تقصیر شرط مسئولیت است اما زیان دیده نیازی به اثبات تقصیر زیان زننده ندارد فرض براین است که زیان زننده مقصراست مگر اینکه اثبات کند تقصیری مرتكب نشده است.

(کشتی در دریا به گل بنشند یا آتش بگیرد به مسافران آسیب برسد) هر چند حادثه دلیلی به تقصیر متصلی حمل و نقل نیست در بند ۲ ماده ۱۱۳ قانون دریابی هر گاه کشتی آتش بگیرد و ... فرض بران است حادثه بر اثر تقصیر یا غفلت متصلیان حمل و ... اتفاق افتاده مگر خلاف آن ثابت شود.

درحوادث بلایای جانی اماره قانونی این است
جای مدعی (زیان دیده و مدعی علیه تغییر
میکند و خوانده دعوا باید اثبات کند مرتكب
قصیر نشده است

۳- فرض وجود فرارداد: با وجود قرارداد مسئولیت قراردادی است و در آن تقصیر مفروض و زیان دیده معاف از اثبات تقصیر است.

• وجه اشتراك مورد ۲ و ۳ ← معاف کردن زیان دیده از اثبات تقصیر

مثال ماده ۱۲ ق. م . م ← مفروض دانستن تقصیر کارفرما برای تعديل نظریه تقصیر استفاده کرده است. آیا اینجا مبنی بر اماره تقصیر است یا قانونگذار مسئولیت بدون تقصیر را مقرر کرده است.

۱- اتلاف ←	۲- تسبیب ←	} این بحث از فقه داند حقمه شده	} این اسباب عبارتنداز	اسباب مسئولیت ← این اسباب عبارتنداز
------------	------------	-----------------------------------	-----------------------	-------------------------------------

(مواد ۳۲۸ ق. م . به بعد)

اتلاف بالمبادر ← اتلاف مستقیم ← آنگاه که شخص مستقیماً مال غیر را تلف کند

اتلاف بالتسبیب ← اتلاف غیرمستقیم ← (باواسطه) شخصی باواسطه از

طريق سبب سازی و مقدمه چینی، موجب تلف شدن مال غیر شود.

فقها اتلاف را دو دسته کرده‌اند



- تفاوت این دو اتلاف در رابطه بین شخص و نتیجه حاصله است.

مثال → شخصی کسی را هل می‌دهد در چاه می‌شود اتلاف بالمبasherه ولی اگر چاهی بکند سپس آن را در چاه بیندازد می‌شود اتلاف بالتسبیب مبنای مسئولیت در دو فرضیه مطرح شده (اتلاف بالتسبیب و اتلاف بالمبasherه) یک قاعده فقهی است که می‌گوید «من اتلف مال الغیر فهوله ضامن» در قاعده مزبور بین اتلاف بالمبasherه و اتلاف به تسбیب تفاوتی نیست.

متلف ضامن جبران خسارت واردہ است ماده ۹۵۰ قانونی مدنی

حقوقدانان به اتلاف بالمبasherه اتلاف
 گویند
 {
 و به اتلاف بالتسبیب تسبیب

تفاوت اتلاف و تسبیب نیز در رابطه‌ای بین فعل فاعل و زیان واردہ است اما در نتیجه حکم تفاوتی بین آن دو نیست در هر صورت ضرر واردہ باید جبران شود.

• تفاوت اتلاف (ماده ۳۲۸ و تسبیب) ۳۳۱ ← درست است که در نتیجه حکم بین اتلاف و تسبیب تفاوتی نیست اما در شرایط تحقق مسئولیت بین آن دو تفاوت است به همین خاطر مهم است بدانیم چه کسی متلف است چه زمانی مسبب

۱. در تسبیب تقصیر شرط مسئولیت است. اما در اتلاف چنین نیست.

البته اینکه تقصیر شرط اصلی است از مواد ۳۳۳ و ۳۳۴ و ۳۳۵ قانون مدنی استنباط می‌شود .

۱. عمدى ← تقصیری است که در آن مقصراً به قصد اضرار به غیر مرتكب فعل یا ترك فعل می‌شود

نکته: بعضی ۲. غيرعمدى ← در آن مرتكب قصد ضررسانی به دیگران را ندارد اما در نتیجه کوتاهی، غفلت، مسامحه، شد. استثنای و بی مبالغی وی خسارتی به دیگری وارد می‌شود.

۱. خسارتبه کسی وارد شده باشد ۲. خسارت مزبور ناشی از فعل دیگری باشد (قابلیت استناد پس در اتفاف تقصیر شرط لازم نیست اما در تسبیب شرط سومی هم لازم است که همانا تقصیر می باشد ۲. اتفاف پیوسته از فعل مثبت+نتیجه می شود اما تسبیب هم می تواند در نتیجه فعل هم ترک فعل باشد

معیار تشخیص اتفاف و تسبیب: در جایی که شخص مستقیماً مالی را تلف می کند اتفاف و در جایی که واسطه وجود داشته باشد تسبیب

اما منظور از واسطه چیست؟ آیا جایی که شخص با سنگ شیشه یک اتومبیل را نشانه می گیرد و می شکند به تسبیب مالی را تلف کرده است؟

پاسخ → اگر واسطه هیچ نقش مستقلی نداشته باشد و صرفاً یک ابزار در اختیار فاعل زیان دیده باشد مثل سنگ در مثال بالا) بین فعل فاعل زیان دیده و خسارت وارده ملازمه ای عرفی وجود داشته باشد → یعنی هر شخصی عرفاً و عادتاً منجر به وقوع چنین نتیجه ای می شود بنابراین آن را اتفاف گویند، اما هنگامی که واسطه نقش داشته و ضرورتاً بین فعل شخص و زیان وارده ملازمه ای وجود نداشته باشد آن را تسبیب گویند (هنگامی که مالک یک حیوان از آن مراقبت نمی کند ضرورت منجر به ورد خسارت نمی شود گرچه زیان محتمل است)

سؤال → گاهی خسارت وارده نتیجه دو عامل باشد یکی نقش مستقیم (اتفاق) دیگری غیرمستقیم(تسبیب) ← مثلاً کسی چاهی می کند و دیگر ثالثی را در آن می اندازد. مسئله این است در جایی که اجتماع سبب و مباشر ضمان و مسؤولیت بر عهده کدام یک مستقر است؟

حقوقدانان در پاسخ ۳ فرض مطرح می کنند؟

۱. فرضی که در آن مباشر اقوی از سبب است یعنی رابطه سبب بین فعل او و زیان وارده پر رنگ تر است مسؤولیت بر عهده مباشر است (اقوی بودن را عرف تعیین می کند) مثال چاه

۲. فرضی که در آن سبب اقوی از مباشر است بطوریکه عرف بین دو عامل سبب و مباشر نقش سبب را در حادثه قوی تر و خسارت را به او منتسب می کند م ۱۲۱۵ ق. مدنی و ۵۲۶ قانون م . ۱ تباری نگهبان شرکت با

سارقین

در فرض ۱ و ۲ ماده ۳۳۲ قانون مدنی

متصور است

۳. فرضی که در آن سبب و مباشر از حیث قوت و ضعف برابرند مثلاً چوپانی بدلیل عدم مراقبت صحیح و بی احتیاطی تعدادی گوسفند به وسط جاده می آیند و راننده بی احتیاط تعدادی از آنها را زیر گرفته است (اینجا اختلاف نظر است)

اکثریت: در چنین فرضی مباشر مسئول است دلیل تحلیلی ۱- هرگاه در ورود خسارت با ۲ عامل مواجهم نقش یکی مستقیم و دیگری غیرمستقیم تا عامل مستقیم وجود دارد عامل غیرمستقیم معنی ندارد ۲- م ۳۳۲ قانونی مدنی قاعده را بر مسؤولیت مباشر گذاشته است .

اقلیت: در فرضی که برابری سبب و مباشر است هر دو مسئولند.

* ارکان مسؤولیت مدنی : تبصره جدید ماده ۱۵۸ ق. م. ۱

۱- تقصیر (فعل زیانبار)

۲- ورود خسارت (وجود ضرر)

۳- وجود رابطه سببیت میان خسارت وارد و فعل صادره

۱- تقصیر: مقصود خروج از رفتار متعارف است .

مطابق ماده ۹۵۳ قانون مدنی تقصیر اعم از تعددی (۹۵۱) و تغییر طبق (۹۵۲) ق. م است .

نکته ۱: عمدى بودن یا نبودن تقصیر در اصل مسؤولیت تفاوتی ایجاد نمی کند ، بلکه تأثیر عمد در میزان مسؤولیت کافی است .

نکته ۲: قاعده تقصیر در حالی مطرح است که شخص حق انجام کاری را ندارد ؛ اما دست به آن کار می زند .

نکته ۳: چه بسا شخصی حق انجام کاری را دارد در انجام آن سوء استفاده می کند

مطابق م ۳۰ و ۱۳۳۲ ق. م. و اصل ۴۰ قاعده ممنوعیت سوء استفاده از حق

۲- ورود خسارت: طبیعی است که مسؤولیت عبارتست از تعهد به جبران خسارت پس تا وقتی خسارتی نباشد جبران آن بی معنی است ، لذا مسؤولیت مطرح نمی شود.

انواع ضرر و خسارت :

۱-بدنی : زیان به جسم و بدن انسان در نتیجه‌ی یک حادثه

۲-مالی : زیان ناشی از بین رفتن یک مال : ۱-عین ۲-منفعت ۳-حقوق مالی ۴-کاهش ارزش اقتصادی

۳-معنوی : ۱-دارای جنبه اجتماعی مثل زیان واردہ به حیثیت و شهرت شخص(دارایی معنوی) از لحاظ قانون این جنبه قابل وصول تر است .)

۲-دارای جنبه درونی و فردی لطمه به عواطف شخص و تأثیر روحی

در امکان ورود خسارت معنوی در نتیجه یک حادثه تردیدی نیست و امروز جبران آن در اصل ۱۷۱ ق.اساسی و ماده ۱۰۵ و ۹۰ قانون مسئولیت مدنی

شرط ضرر قابل مطالبه :

۱-مسلم بودن ضرر

۲-مستقیم بودن ضرر

۳-بلاغ جبران ماندن ضرر

۴-قابل پیش بینی بودن ضرر

مسلم بودن ضرر:

صرف احتمال ورود ضرر نمی تواند وادار کننده‌ی کسی به جبران باشد مسئولیت مدنی تعهد به جبران خسارت محقق و واقع شده و مسلم است .

أنواع ضرر به اعتبار زمان تقديم دادخواست از سوی دادگاه

۱-زیان های گذشته : به زبان های مسلم تا زمان طرح دعوی گفته می شود

۲) زیان های آینده: به زیان های گفته می شود که در زمان تقديم دادخواست به دادگاه واقع نشده اما پس از آن محقق می گرددند

این زیان ها دو دسته اند : ۱- زیان های آینده محتمل الواقع: غیر قابل مطالبه

۲- زیان های آینده مسلم الواقع: قابل مطالبه

*معیار تشخیص مسلم یا احتمالی بودن زیان وارد عرف می باشد و هیچ میزان دقیق ریاضی برای آن وجود ندارد

مثال: بنایی که از دار بست بیفتند و آسیب ببیند ← م ۵۶۰ ق.م.)

نکته * این زیان توسط عرف احتمال قابل توجه دارد که بیفتند

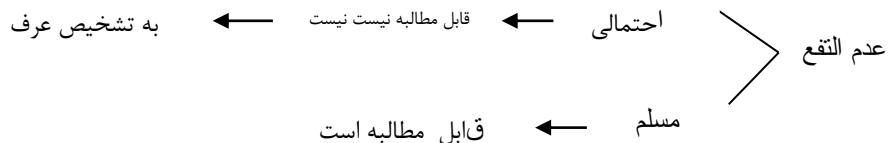
مثال دوم اگر پدر خانواده ای که فوت کند اگر زنده بود فرزندان از نفقه محروم نمی شدن

سؤال ۱ ← آیا زیان زننده مکلف به پرداخت هزینه به فرزندان هست؟

سؤال ۲ ← اگر میت در نتیجه حادثه به ثالثی بدھکار باشد آیا طلبکاران می توانند به یان زننده مراجعه کنند و مطالبه خسارت کنند

سؤال ۳ ← اگر میت شرعاً و مستمرأبه شخصی مساعده مالی می کرد آیا او می تواند برای جبران ضرر به زیان زنند مراجعه کند؟

سؤال ۴ ← آیا عدم النفع قابل مطالبه است



نکنه ان دسهه ارجحه ایهه به داملا جنبه احتمالی د سه باسد و نوع ان برای عرف محزر بیست قابل مطالبه نیست.

بررسی تبصره ۲ ماده ۹ آ. د ک و ماده ۵۱۵ آ. د .م.

۱- در تبصره ۲ ماده ۹ آ. د ک. ← منافع ممکن الحصول را قابل مطالبه می دانند و در تفسیر این ماده گفته اند مقصود از ممکن الحصول محتمل الحصول نیست بلکه مسلم الحصول است

۲- در تبصره ۲ ماده ۵۱۵ آ. د .م. ← خسارت ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست

سوال آیا این دو ماده ناسخ و منسوخ هم‌دیگرند؟

نظریه مشورتی: این دو ماده ناسخ و منسوخ هم‌دیگر نیستند

(۲) مستقیم بودن ضرر: منظور اینکه هیچ واسطه‌ای میان فعل زیانبار و ضرر وارد برقرار نباشد و یا اگر واسطه‌ی هست نقش آن به اندازه‌ای نباشد که ضرر وارد قابلیت انتساب به زیان زننده را نداشته باشد ماده ۵۲۰ آ. د. م.

۳- بلا جبران بودن ضرر ← قبلاً زیان توسط زیان زننده جبران نشده باشد

مثال ← باغ بیمه شده توسط شخصی به آتش کشیده می‌شود

۴- قابل پیش‌بینی بودن ضرر وارد بایستی قابل پیش‌بینی باشد منظور این نیست که میزان خسارت بایستی قابل پیش‌بینی باشد بلکه اصل خسارت زا بودن فعل قابل پیش‌بینی باشد و شخص ضرر رسان بداند در نتیجه فعل یا ترک فعل زیا نبارش خسارتی به دیگری وارد می‌شود

ماده ۳۵۲-۳۵۳-۳۵۶-ق. م. ا. سابق و ۵۲۱ قانون م. ا. فعلی

ماده ۱۳۲ قانون مدنی بررسی شود شرایط تصرف

تصرف به مقدار متعارف

تصرف به مقدار نیاز و ضروری

غاصب نه تنها باید مال را به مالک مسترد دارد، بلکه ضامن همه‌ی خسارات وارد نیز خواهد بود. ولاینکه منشأ آن خسارت فعل غاصب نباشد، بلکه قوه‌ی قاهره باشد برای مثال اگر مال مغصوب در اثر سیل یا زلزله از بین برود؛ غاصب ضامن چنین خساراتی نیز خواهد بود، گرچه رابطه‌ی سببیت برقرار نیست.

(۲) آنچه در حکم غصب است: وقتی شخصی مالش را به امانت نزد دیگر می‌سپرد و پس از چندی آن را از امین مطالبه می‌کند و امین پس از مطالبه آن را بر نمی‌گرداند. از زمان مطالبه‌ی مالک امین مثل غاصب می‌گردد وید اماني او به يد ضماني مبدل می‌گردد.(ر.ک. مواد ۶۱۶ و ۶۳۱ ق. م)

- به طور کلی قاعده براین است که در همه موارد ، به جز مستثنیات مذکوره ، رابطه‌ی سببیت شرط مسؤولیت است .

- احراز رابطه‌ی سببیت در زمانی که شخص واحدی منشأ ورود خسارت شده است ، مشکل ساز نخواهد بود . مشکل در انجاست که در ایجاد یک حادثه عوامل متعددی نقشی داشته باشند و خسارات وارد نتیجه‌ی فعل واحد نباشد . به عبارت دیگر، خسارت نتیجه‌ی اجتماع عوامل متعدد باشد [که در اکثر موارد نیز چنین است].

در این گونه موارد دو سوال مطرح می‌گردد :

عوامل متعدد که در وقوع خسارت دخیل می‌باشند

۱- از میان عوامل متعدد (اسباب متعدد زیان) کدامیک مسؤول حادثه و متعهد به جبران خسارت وارد می‌باشد
(شناسایی مسؤول)

۲- اگر در شناسایی مسؤول به چند سبب رسیدیم که دخالت هر کدام در ایجاد حادثه به یک اندازه بود و چند نفر به عنوان مسؤول شناخته شدند ، هر کدام از آن‌ها به چه اندازه مسؤول خواهند بود؟ (نحوه توزیع مسؤولیت میان مسؤولین متعدد) ذیلاً به پاسخ سوالات مذکور می‌پردازیم :

نحوه‌ی شناسایی مسؤول از میان عوامل متعدد یک حادثه :

۱- بدین منظور ، در وهله‌ی اول باید عوامل اصلی را از عوامل فرعی جدا کنیم . آن عواملی را که نقش شان کمنگ و دخالت‌شان تبعی و فرعی است، کنار می‌گذاریم ، یعنی از آن‌هایی که دخالت‌شان به نحو شرطیت است دست می‌شویم و آن‌هایی را که به نحو سببیت مداخله دارند نگه می‌داریم (تفکیک شرط از سبب)

مثال: شخصی برای خرید روزنامه ، اتومبیلش را ، بدون خاموش کردن در کنار خیابان پارک می‌کند و می‌رود ، از قضا سارقی سر می‌رسد و ان اتومبیل را می‌رباید ، اندکی که می‌گذرد با آن اتومبیل تصادف کرده و به دیگری خسارت می‌زند . حال چه کسی مسؤول است؟ در پاسخ می‌گوییم گرچه اگر مالک بی احتیاطی نمی‌کرد ، خسارتی وارد نمی‌شد لکن بی احتیاطی او مساوی با ورود ضرر نیست لذا دخالت مالک اتومبیل در وقوع این حادثه عرفاً فرعی است و خسارت وارد به سارق قابل انتساب است .

نکته : عرف ، شرط و سبب را براساس نقش عوامل تعیین می‌کند .

۲- در وهله‌ی دوم ، در مواجهه با عوامل اصلی اگر دخالت دو یا چند عامل به گونه‌ای است که برخی از آن‌ها مصدقه مباشد و برخی دیگر مصدق سبب محسوب می‌شوند همه مسئولیت بر عهده‌ی مباشد خواهد بود . مگر آنکه سبب اقوى از مباشد باشد .

۳- در وهله‌ی سوم اگر با چند عامل مواجه شدیم که همه‌ی آن‌ها به طور جدی در وقوع حادثه نقش درند و دخالت همگی به نحو سببیت است ، باید بین دو مورد قائل به تفکیک شویم:

*فرض نخست : فرضی که در آن چند سبب ، واجد تقدم و تاخر باشند ، به عبارت دیگر اسباب در طول یکدیگر باشند . مثلاً «الف» چاهی حفر می‌کند و «ب» سنگی بر سر چاه می‌نهد و «ج» در اثر برخورد پایش با سنگ در چاه افتاده و خسارت می‌بیند (در اینجا «الف» و «ب» هر دو سبب حادثه‌اند)

فرض دوم: فرضی که در ان چند سبب ، همزمان در وقوع حادثه ای دخالت می‌کنند . مثلاً چند نفر توامًا قطعه سنگی را از بالای تپه‌ای هل می‌دهند و این سنگ سرازیر شده و به دیگری خسارت می‌زنند . در اینجا اسباب متعدد در عرض همیگرنند . گویی که چند سبب ، یک سبب می‌باشند .

در زیر به بررسی فروض مطرح شده می‌پردازیم:

در فرض نخست که رابطه‌ی میان اسباب طولی است ، باید دید کدام سبب مسئول است .

در مجموع تمایل نظام‌های حقوقی این است که زیان دیده را در برابر یک زیان زننده قرار دهنده تا تکلیف او روشن باشد و راحت‌تر بتواند خسارت‌ش را مطالبه نماید . بنابراین ، نظام‌های حقوقی کوشیده‌اند تا از میان چند عامل یک شخص را مسئول بشناسند .

در این خصوص پیش‌تر نظریات مطرح شده معطوف به گزینش یک عامل از میان عوامل متعدد است این نظریات به شرح زیر می‌باشد.

در این خصوص پیش‌تر نظریات مطرح شده معطوف به گزینش یک عامل تاز میان عوامل متعدد است . این نظریات به شرح زیر می‌باشد .

۱-نظر اول (آخرین سبب مسئول است) : مطابق این نظر از میان اسبابی که در طول بکدیگرنند ، بایستی آخرین سبب را که نزدیک ترین سبب به حادثه می‌باشد مسئول بشناسیم : بدین توجیه که تا قبل از دخالت آخرین

سبب خسارتمی به وقوع: پیوسته بود و با آمدن آخرین سبب حادثه ایجاد شده است . اسباب پیشین به تنها یی نتوانسته اند حادثه را ایجاد کنند ، بنابراین آخرین عامل مسئول جبران خسارت است .

-نقد نظر اول: درست است قبل از دخالت آخرين عامل خسارتمی به زیان دیده وارد نشده است ، لکن الزاماً موثرترین عامل در وقوع حادثه ، آخرین عامل نمی باشد.

۲) نظر دوم(سبب مقدم التأثر مسئول است): مطابق این نظر از بین اسباب باید آن یک را که زودتر تأثیر کرده است ، مسئول شناخت .(ر.ک.م ۳۶۴-۵۳۵ ق.م ۱ فعلی

-نقد نظر دوم : معلوم نیست سببی که زودتر تأثیر کرده موثرترین سبب نیز باشد .

۳) نظر سوم (سبب متعارف مسئول است): مطابق این نظر بایستی از میان اسباب سببی را که قاعدهاً و عادتاً منجر به خسارت شده است مسئول شناخت و بایستی از عواملی که به طور اتفاقی و در شرایطی ویژه منشأ ورود خسارتی می شوند ، چشم پوشید.

نقد نظر سوم : در مجموع همه ی بحث ها بر سر این است که از بین اسباب کدام سبب متعارف است که آن را مسئول بشناسیم . علاوه بر این نمی توان نسبت به شرایط پیرامونی کاملاً بی توجه بود .

۴) نظر چهارم (برابری اسباب) : این نظریه همه ی عوامل دخیل را مسؤول می داند چرا که حادثه در نتیجه اجتماع همه عوامل رخ داده است.

نقد نظر چهارم : اگر بنابراین باشد که قاضی در هر حادثه همه ی عوامل را بررسی کند و مسئول بشناسد ، وارد زنجیره ای پایان ناپذیر می شود ، علاوه بر این نمی توان سهم نابرابر اسباب را از بین برد.

النهایه: همه ی نویسندها را باور بر این است که هیچ یک از نظریات مطرح شده قاطع نیست ؛ و در فرض اجتماع اسباب طولی بر عهده ی قاضی خواهد بود که با سنجش همه ی عوامل حادثه ، سبب موثر را از میان اسباب شناسایی کند و مسئول بشناسد . این سبب گاه نزدیکترین سبب به حادثه است ، گاه مقدم التاثرترین و گاه متعارف ترین ، [از میان نظریات مطرح شده ، نظر برابری اسباب کمتر از همه مورد توجه قرار گرفته است].

-در فرض دوم (اجتماع اسباب در عرض یکدیگر) امکان انتخاب یک عامل از میان عوامل متعدد به عنوان مسئول وجود ندارد . چرا که دخالت آن ها به گونه ای است که همه با هم حادثه را ایجاد کرده اند و ترجیح یکی بر دیگری ممکن نیست ، بنابراین همه ی اسباب را مسئول می شناسیم (اجتماع مسئولین)

در فرض مذبور در این که همه‌ی عوامل مسئولند اختلافی نیست ، اختلاف در نوع مسئولیت آن هاست . در این خصوص سه دیدگاه قابل طرح است که عبارتند از:

۱-مسئولیت نسبی (هر عامل به نسبت سهم خود مسئول است) .

۲-مسئولیت تضامنی

۳) مسئولیت مساوی (تقسیم خسارت به تعداد عوامل)

ذیلاً به تحلیل هر کدام از دیدگاه‌های مذبور می‌پردازیم .

۱-مسئولیت نسبی (هر عامل به نسبت سهم خود مسئول است

۲-مسئولیت تضامنی

۳-مسئولیت مساوی (تقسیم خسارت به تعداد عوامل

ذیلاً به تحلیل هر کدام از دیدگاه‌های مذبور می‌پردازیم

۱-دیدگاه نخست (مسئولیت نسبی): طرفداران این دیدگاه در اثبات عقیده‌ی خود دو دلیل اقامه کرده اند :

الف-دلیل تحلیلی و منطقی: آن گونه که می‌دانیم ، اصل بر عدم مسئولیت است منطقی این است که هر عامل به میزان تقصیر خود مسئول باشد . وقتی که تقصیر علی القاعده شرط مسئولیت است طبیعی است که هر شخص به میزانی مسئول باشد که مقرر است.

ب-دلیل قانونی : ماده‌ی ۱۶۵ قانون دریایی صریحاً مسئولیت را نسبی می‌داند . این ماده مقرر می‌دارد :

«اگر دو یا چند کشتی مرتكب خطا شوند مسئولیت هر یک از کشتی‌ها مناسب با اهمیت تقصیری است که از آن کشتی سرزده است .

?سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که مسئولیت نسبی به نسبت تقصیر است یا نه نسبت خسارت؟(مثلاً ممکن است شخصی در وقوع یک حادثه ۶۰٪ مقصراً بوده و تنها ۲۰٪ خسارت بزنده) در پاسخ به سوال مذبور اجمالاً می‌توان گفت مقصود از مسئولیت نسبی به نسبت تقصیر است .

نکته : اکثر حقوقدانان طرفدار نظریه‌ی مسئولیت نسبی می‌باشند .

۲) دیدگاه دوم (مسئولیت تضامنی): مطابق این نظر وقته که چند سبب در عرض منشأ ورود خسارت به دیگری می شوند؛ همگی آن ها در برابر زیان دیده به نحو تضامن مسؤول خواهند برد ، یعنی زیان دیده می تواند به هر کدام زا عوامل که خواست بابت تمام یا بخشی از خسارت مراجعه کند ، مسئولیت زیان زندگان در برابر زیان دیده تضامنی است ، لکن پس از تأدیه‌ی دین ، بین آن ها مسئولیت نسبی برقرار خواهد بود(ر. ک. م ۱۴ ق (م.م.).

طرفداران این دیگاه نیز در اثبات نظر خویش دو دلیل اقامه کرده اند :

الف - دلیل تحلیل : هدف از قواعد مسئولیت مدنی جبران خسارت از زیان دیده است و قائل شدن به مسئولیت تضامنی هدف این هدف را تسهیل میکند به حال زیان دیده مناسب تر است

ب- دلیل قانونی : ماده ۳۱۷ ق. م صریحاً مسئولیت غاصبین متعدد یک مال را در برابر مالک تضامنی می داند[او همان طور که می دانیم غصب در زمرة‌ی الزامات خارج از قرارداد و ضمان قهری است] هم چنین ماده ۱۴ ق. م. م. مقرر می دارد : «در مورد ماده ۱۲ هرگاه چند نفر مجتمعاً زیانی وارد آورند متضامناً مسئول جبران خسارت وارد هستند....»

طرفداران مسئولیت تضامنی با استناد به مواد مذبور ، اظهار می دارند ، احکامی که در این دو ماده (۳۱۷ ق. م و ۱۴ ق. م. م) بیان شده است مصادیقه از یک قاعده (تضامنی بودن مسئولیت مسئولین در حوزه‌ی ضمان قهری) هستند . می دانیم در حوزه‌ی قراردادی اصل بر نسبی بودن مسئولیت است مگر در ۲ مورد :

۱- موردی که قانون مسئولیت تضامنی را تجویز کند .

۲- موردی که طرفین قرارداد، متعلق اراده‌ی خود را بر مسئولیت تضامنی قرار داده باشند .

*انتقاد از دیدگاه مسئولیت تضامنی : دیدگاه مذبور مورد انتقاد اکثر حقوقدانان قرار گرفت . ان ها در رد این نظریه دو دلیل اقامه کرده اند:

الف- دلیل تحلیل : صرف مناسب تر بودن مسئولیت تضامنی به حال زبان دیده ، برای تحمیل مسئولیت اضافه بر زیان زندگان کافی نیست و دلیل ندارد که بیش از اندازه از زیان دیده حمایت کنیم و این که زیان زننده بیش از سهمش مکلف به جبران خسارت باشد تحصیلی اضافی است و نیازمند دلیل و دلیل مذبور کافی نیست .

ب- دلیل قانونی: موادی از قانون که برای توجیه مسئولیت تضامنی عوامل عرضی یک واقعه مورد توسل قرار گرفته است را نمی توان مبنای استنباط یک قاعده قرار داد؛ چرا که اولاً ماده ۳۱۷ ق.م. در مورد غصب ناظر به یک وضعیت ویژه است [أساساً مقررات قانون مدنی ما درباره غصب و احکام فقهی مربوط بدان بر این ایده استوار می باشد که «الغاصبُ موحدٌ باشَ الاحوال» و در غصب احکام استثنایی زیادی به چشم می خورد] بنابراین غصب دارای خصوصیت است و از احکام استثنایی آن اتخاذ ملاک کرد و ان را به سایر موارد تسری داد ثانیاً از ماده ۱۴ ق.م. نیز نمی توان با تنقیح مناطق قاعده گرفت ، چرا که در ابتدای این ماده قید بسیار مهمی وجود دارد و آن در مورد ماده ۱۲ است . اگر مقتن می خواست در همه موارد مسئولیت را تضامنی اعلام کند این قید را نمی آورد . بنابراین ، از آن جایی که در نظر قانون گذار ما مسئولیت تضامنی استثنای است ، در ماده ۱۴ بدان تصریح کرده است . علاوه بر این ماده ۱۲ ق.م. ناظر بر روابط کارگران و کارفرمایان بوده و حاوی یک حکم استثنایی است.

-بنا بر آن چه گفته شد دلیل کافی بر مسئولیت تضامنی به عنوان قاعده وجودندارد و جز در موارد استثنایی نمی توان مسئولیت را تضامنی دانست رویه‌ی قضایی ما نیز قائل به استثنای بودن مسئولیت تضامنی است. پس هیچ تفاوتی بین مسئولیت مدنی قراردادی و غیر قراردادی از حیث نوع آن وجود ندارد و در هر دو حوزه ، قاعده‌تاً مسئولیت نسبی است و مسئولیت تضامنی استثنای است.

* نکته آن دسته از حقوقدانانی که از مسئولیت تضامنی دفاع می کنند ؛ غالباً متاثر از نظام های حقوقی دیگر می باشند . مثلاً در فرانسه اصل بر مسئولیت تضامنی است. دیدگاه مسئولیت تضامنی به دنبال این است که در نظام حقوقی ما نیز رسوخ کند، اما هنوز نتوانسته است عرصه ای برای شکوفایی بیابد و هنوز نظر اقلیت است

*پیش از انقلاب و تدوین قانون مجازات اسلامی حقوقدانان در خصوص نحوه‌ی توزیع مسئولیت دو دسته بودند

۱) اکثریتی که طرفدار مسئولیت نسبی بودند و مسئولیت تضامنی را استثناء می دانستند

۲) اقلیتیکه طرفدار مسئولیت تضامنی بودند و مسئولیت نسبی را استثناء می دانستند

پس از ظهرور قانون مجازات اسلامی فرض سومی نیز مطرح شد و آن تساوی مسئولیت در فرض اجتماع اسباب بود

۳) دیدگاه سوم (مسئولیت مساوی): مواد ۱۴۵م.ا. جدید و ۵۲۶ و ۵۳۳ ناظر بر این دیدگاه است: ماده ۱۴۵ ق.م.ا. جدید بین ۳ فرض که ناظر بر موضوع واحد) تصادم دو وسیله نقلیه است، قائل به تفکیک شده است

*فرض نخست : تقصیر یکی از طرفین

فرض دوم : تقصیر طرفین

*فرض سوم: عدم تقصیر طرفین

درکنار م. ۳۳۶ ق.م. ۱ و ۱۴۵ قبل از وضع آن در خصوص تصادم بین دو وسیله ای نقلیه م. ۳۳۵ ق.م. و ماده ۵۲۷ فعلی را داشتیم و داریم در این ماده نیز ۳ فرض فوق قابل طرح است در ذیل به بررسی هر یک از فروض ثلاثة می پردازیم

*فرض تقصیر یکی از طرفین : در این فرض هم م ۱۴۵ فعلی و هم م ۵۲۷ ق.م. می گویند مسئولیت متوجه شخص مقصر می باشد و هیچ اختلاف حکمی بین این ۲ ماده وجود ندارد.

* فرض تقصیر طرفین اگر هر دو طرف مقصر باشند هر دو مسئولند در این خصوص نیز بین ۲ ماده ای مذکور اختلافی وجود ندارد لکن تفاوت در میزان مسئولیت است م. ۳۳۵ ق.م. در این مورد ساكت است اما حقوقدانان با توجه به قواعد کلی مسئولیت مدنی و مشمولیت تصادم در تسبیب و مشروط بودن تقصیر در تسبیب برای مسئولیت ،در این خصوص قائل به مسئولیت نسبی به میزان تقصیر شده اند [کما این که خود قانونگذار در ماده ۱۶۵ ق. دریایی در مورد کشتی ها چنین فرضی را بیان میکند) اما م. ۱۴۵ ق.م. ۱ حکمی متفاوت با تلقی مذبور ایجاد کرده است و می گوید اگر هر دو مقصر باشند ، متساویاً مکلف به جبران خسارت خواهند بود. و در ادامه برای رفع هر گونه شباهه می گوید « ولو این که میزان تقصیر آن ها متفاوت باشد» و با این کار در را به روی هر گونه تفسیر می بندد.

حال با توجه به مؤخر بودن م. ۱۴۵ ق.م. ۱. نسبت به م ۵۲۷ فعلی در تصادم دو وسیله ای نقلیه در صورت تقصیر هر دو طرف چاره ای جز تبعیت از حکم ماده ۱۴۵ ق.م. ۱ و قائل شدن به مسئولیت مساوی نخواهیم داشت.

نکته : ماده ۱۴۵ ق.م. ۱. ماده ۱۶۵ ق : دریایی را نسخ نمی کند چرا که عام لاحق نمی تواند ناسخ خاص سابق باشد و به طور کلی اصل بر عدم فسخ است مگر این که قرینه‌ی قطعی وجود داشته باشد.

*فرض عدم تقصیر طرفین در این فرض ماده ۳۳۵ ق.م. ساخت است، اما حقوقدانان ما بر اساس مبنای فوق الاشعار که تصادم از مصاديق تسبیت است در تسبیت تقصیر شرط مسئولیت در فرضی که هیچ کدام تقصیر نداشته باشند هیچ کدام را مسئول نمی شناسند لکن م. ۱۴۵ ق.م. در این فرض نیز هر ۲ را متساویًا مسئول می شناسد.

* نکته در نگاه حقوقدانان و قانونگذار مدنی تصادم از مصاديق تسبیت است و در تسبیت تقصیر شرط مسئولیت می باشد اما در نگاه فقهاء و قانونگذار کیفری، تصادم از مصاديق اتلاف بوده و در اتلاف تقصیر شرط مسئولیت نیست ؟ سوال آیا با در نظر گرفتن ماده ۱۴۵ ق.م. می توان گفت ، نظام حقوقی، در فرض اجتماع اسباب از دیدگاه مسئولیت نسبی دست شسته و قاعده را بر مسئولیت مساوی استوار کرده است ؟

- در فرض اجتماع اسباب می توان بین دو مورد قائل به تفکیک شد.

۱) موردی که در آن اسباب در مقابل یکدیگر قرار می گیرند ، مثل تصادم ۲ وسیله نقلیه

۲- موردی که در آن اسباب در کنار یکدیگر قرار میگردند و به شخص ثالثی خسارت می زند

ماده ۱۴۵ ق.م. ۱. ناظر بر فرض نخست است اگر باشیم و ماده ۱۴۵ در فرض اجتماع اسباب قاعده را بر مسئولیت نسبی) بنا می کنیم مگر در یک مورد که آن هم ماده ۱۴۵ می باشد به عبارت دیگر ماده ۱۴۵ به تنهایی توان دگرگون کردن قاعده مسئولیت نسبی را ندارد منتها مشکل کار اینجاست که ماده ۱۴۵ تنها نیست بلکه ماده ۵۲۶ و ۵۳۳ ق.م. ۱. نیز در کنار آن قرار دارد.

با توجه به ماده ۵۲۶ و ۵۳۳ اصل بر مسئولیت مساوی است و ۲ نوع دیگر مسئولیت (نسبی و تضامنی) استثنای است

لکن به نظر ما کماکان اصل بر مسئولیت نسبی بوده و مسئولیت مساوی استثنای است چرا که م ۵۲۶ و ۵۳۳ یک قاعده‌ی ماهوی را وضع نمی کند بلکه به تاسیس یک اماره می پردازد و یک دلیل شکلی ایجاد میکند بنا براین اگر در موردی چند نفر با هم سبب آسیب و خسارتی به دیگر شدند ، مسئولیت زیان‌زندگان را

مساوی فرض می کنیم و خود را درگیر این امر نمی نماییم که سهم هر یک چقدر است پس م ۵۲۶ و ۵۳۳ طریقی برای هدایت قضاط ایجاد کرده است فرض بر تساوی تقصیر است اما اگر کسی ثابت کرد تقصیرش کم تر است پذیرفته خواهد بود.

*اسباب معاف کننده از مسئولیت مدنی قهری :

این اسباب به دو دسته تقسیم شده اند

(۱) دسته اول (از بین برنده ی رابطه ی سببیت) ، این دسته از اسباب از این جهت معاف کننده محسوب می شوند که رابطه سببیت را بین فعل صادره و خسارت واردہ زایل می سازند

(۲) دسته ی دوم (از بین برنده ی تقصیر)؛ این دسته از اسباب بر روی عنصر تقصیر تاثیر می گذارند و از آن جا که تقصیر را منتفی می سازند *) از بین برنده ی مسئولیت محسوب می شوند

ذیلاً به بررسی اسباب فوق می پردازیم:

اندیشمندان و تحلیل گران ، در دسته ی نخست از اسباب معاف کننده، ۳ سبب را احصا کرده اند که عبارتند از : قوه ی قاهره ، فعل شخص ثالث و فعل خود زیاندیده در زیر به توضیح آن ها می پردازیم

الف- قوه ی قاهره:

قوه ی قاهره در حوزه ی الزامات خارج از قرار داد همان مفهومی را دارد که در حوزه ی قرار دادی (یعنی عامل خارجی غیر قابل پیش بینی غیر قابل احتراز و اجتناب

قوه ی قاهره در صورتی سبب معافیت از مسئولیت است که عامل منحصر حادثه تشخیص داده شود. (ر.ک) م ۵۱۴ و م ۵۱۸ و م ۵۳۱-۵۲۸-۵۰۵ ق.م.ا

قوه قاهره هم در مسئولیت های مبتنی بر نظریه ی تقصیر و هم در مسئولیت های مبتنی بر نظریه ی خطر موجب رفع مسئولیت می باشد ، چرا که رابطه ی سببیت را از بین می برد

* اگر قوه قاهره سبب منحصر حادثه باشد، موجب معاف شدن کامل از مسئولیت خواهد بود ، لکن اگر یکی از اسباب متعدد خسارت تلقی گردد، بایستی به نظریات متفاوت حقوقانان اشاره کرد.

۱) گروهی از حقوقدانان معتقدند که اگر قوه قاهره تواماً با اسبابی دیگر ، منجر به تحقق خسارت گردد، تاثیری در معافیت از مسئولیت نخواهد داشت به اعتقاد این گروه هر کجا حادثه‌ی خسار تبار در نتیجه‌ی دخالت دو عامل (تقصیر انسانی و قوه قاهره) رخ دهد ، تمام مسئولیت بر عهده‌ی عامل انسانی موثر خواهد بود و قوه قاهره منحصراً وقتی که سبب منحصر حادثه باشد ، معاف کننده خواهد بود. (ر.ک. نظریات دکتر کاتوزیان در این باب)

۲) گروهی دیگر بر این باورند که همان طوری که وقتی که قوه‌ی قاهره سبب منحصر موثر در حادثه است باعث معافیت از مسئولیت می‌باشد ، وقتی هم که منحصر نباشد به نسبت سهم خود ، سبب معاف کننده محسوب می‌شود

(وقتی که سبب منحصر است به طور کلی و وقتی که یکی از اسباب حادثه است به طور جزئی موجب معافی خواهد بود ؟ مساله : شخصی در حین رانندگی دچار ایست قلبی می‌شود و درنتیجه خسارتی به دیگر وارد می‌آورد آیا در این مورد می‌توان به استناد فورس ماژور ، راننده را معاف از مسئولیت دانست؟

ب- فعل شخص ثالث :

دخالت شخص ثالث در وقوع یک حادثه‌ی زیانبار ، ممکن است به ۲ نحو صورت پذیرد.

۱) صورتی که فعل شخص ثالث سبب منحصر حادثه باشد، که در این صورت تمام مسئولیت بر عهده‌ی او خواهد بود

۲) صورتی که فعل شخص ثالث احد اسباب متعدد است که در این صورت با فرض اجتماع اسباب مواجه خواهیم بود که قبلًا احکام آن را بیان نمودیم.

ج) فعل خود زیاندیده :

اگر احراز شود شخص زیاندیده خود در وقوع خسارت مداخله داشته است ، می‌تواند از اسباب معافی شمرده شود در این مورد نیز در این که فعل زیان دیده سبب منحصر حادثه باشد یا یکی از اسباب ، حکم قضیه متفاوت خواهد بود. کما این که م ۱۱۴ ق. دریایی مقرر می‌دارد : « در صورتی که متصدی امر ثابت نماید ، فوت یا صدمات بدنی بر اثر تقصیر و یا غفلت خود مسافر بوده یا عمل مسافر در وقوع آن تاثیر داشته ، دادگاه بر حسب مورد، متصدی حمل را کلاً یا جزئاً از مسئولیت بری خواهد کرد»

م ۱۲۱۵ ق.م. نیز این معنا را منعکس میکند

با نظر به م ۱۲۱۶ ق.م. پی می بریم که به طور کلی صغار و مجانین مسئولیت مدنی دارند، اما اگر شخصی به دست خویش ماش را به دست آن ها سپرد و آنان آن مالش را تلف کردند، شخص مزبور مشمول قاعده‌ی اقدام شده و آن ها مسئول نخواهند بود (مشروط برآنکه شخص آگاه باشد، طرف مقابله مجنون یا صغیر است؛ البته اگر صغیر را تشخیص ندهد، در سلامت عقل خود او باید شک کردا!)

اسباب زائل کننده منحصر تقصیر {۱- دفاع مشروع ۲- حکم قانون و مقامات قانونی}

۲- میربان علم حقوق دسته‌ی دوم از اسباب را که زایل کننده‌ی عنصر تقصیرند، ۲ قسم دانسته‌اند؛ دفاع مشروع و حکم قانون یا مقامات قانونی

الف) دفاع مشروع:

اگر شخصی در مقام دفاع مشروع به دیگری خسارتی بزند، مسئول جبران خسارت نخواهد بود چرا که مرتكب تقصیری نشده است و منتها دفاع مزبور باید متناسب با تعرض باشد (به تشخیص عرف) گرچه رابطه‌ی سببیت برقرار باشد (ر.ک.م ۱۵۰ ق.م. و مواد ۱۵۶ ۵۰۷ و ۵۰۸ ق.م. ۱).

سؤال

(۱) اگر شخصی برای جلوگیری از ورود سارقین دور تا دور خانه اش برق وصل کند، عمل او چه شکلی دارد؟

(۲) در مساله‌ی بالا اگر در نتیجه‌ی وصل کردن برق به دیگری خسارتی وارد شود حکم چه خواهد بود؟

ب- حکم قانون یا مقامات قانونی :

اگر شخصی در مقام اجرای حکم قانون یا امر قانونی به دیگری خسارتی بزند، ضامن نخواهد بود

*ممکن است در حوزه‌ی مسئولیت مدنی بین زیان زننده و زیاندیده توافقاتی صورت بپذیرند که خسارت چگونه و به چه میزان جبران گردد آیا چنین توافقاتی از لحاظ حقوقی از اعتبار کافی برخوردار می باشند یا خیر؟

-در اینجا باید بین توافقات قائل به تفکیک شد.

۱) توافقاتی که قبل از وقوع حادثه و ورود خسارت شکل می‌گیرد

۲- توافقاتی که بعد از وقوع حادثه و ورود خسارت شکل می‌گیرد

دسته‌ی دوم از توافقات بالا کاملاً معتبر می‌باشند و هیچ خدشه‌ای در آن‌ها راه ندارد

- در مورد دسته‌ی اولی از توافقات که در عمل هم بسیار نادر است دو دیدگاه وجود دارد:

الف- اقلیتی معتقدند که قواعد مربوط به مسؤولیت مدنی غیر قراردادی مر بوط به نظم عمومی بوده و در زمرة‌ی احکام و قواعد آمره قرار می‌گیرد بنا براین چنین توافقاتی غیر معتبر می‌باشد

ب- اکثریتی که معتقد به معتبر بودن این توافقات هستند، قواعد مربوط به ضمان قهری را برخلاف قواعد مربوط به مسؤولیت کفری مر بوط به نظم عمومی نمی‌دانند. آنان تنها استثناء را مربوط به خسارات عمدی می‌دانند شخص زیان‌زنده باستی خسارات عمدی را جبران کند و توافقات این دسته از خسارات را تحت عنوان الشعاع قرار نمی‌دهد.

*غصب

ماده‌ی ۳۰۷ ق.م در کنار «اتلاف» و «تسبیت»، «غصب را نیز از موجبات ضمان قهری می‌داند اما اتفاقی که در غصب می‌افتد و مسؤولیت مدنی را موجب می‌گردد، متفاوت با اتفاقی است که در اتلاف و تسبیب می‌افتد در اتلاف و تسبیب شخص مال دیگری را تلف کرده یا سبب تلف شدن آن را فراهم می‌آورد، لکن در غصب چنین نیست.

مواد ۳۰۸ تا ۳۲۷ ق.م. در باب غصب است

*مفهوم غصب: ماده ۳۰۸ ق.م مقرر می‌دارد: «غصب، استیلاء بحق غیر است به نحو عدوان اثبات ید برمال غیر بدون مجوز هم در حکم غصب است»

ذیلاً به بررسی عناصر تعریف غصب می‌پردازیم

۱) استیلا: تحقق استیلا، مستلزم تحقق دو عنصر «مادی» و «معنوی» است و تحقق عنصر مادی نیز مستلزم ۲ امر است: الف قطع سلطه و استیلایی مالک نسبت به مال ۲) برقراری سلطه و استیلای غاصب برمال بنا براین برقراری غصب، شخص باستی او لا ارتباط مالک با مالش را قطع کند و ثانیاً خود بر مال سلطه

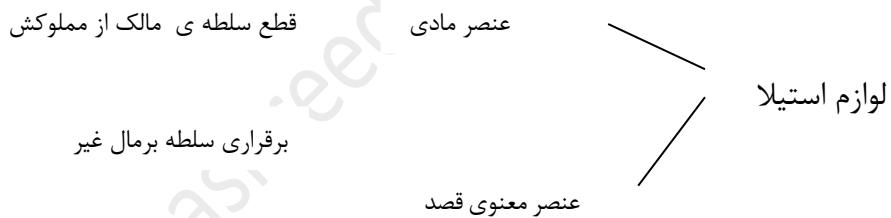
پیدا کند. پس اگر شخصی فقط مانع استفاده‌ی مالک از مملوک شود، بدون آنکه آن مال را تحت سیطره‌ی خویش درآورد، غاصب محسوب نمی‌شود، اگرچه مسئولیت دارد (ر. ک. م. ۳۰۹ ق. م)

تشخیص استیلا یا عدم استیلا بر مال غیر با عرف است. استیلا هیچ ملازمه‌ی ای با تصرف ندارند و ممکن است شخصی بر مالی مسلط باشد، اما در آن تصرفی نکند. آنچه مستلزم استیلاست، امکان تصرف کردن در مال است؛ خواه تصرفی صورت بگیرد، خواه خیر

-استیلا بر مال دیگری می‌تواند بالمبا شره باشد یا از طریق استخدام دیگران

-ممکن است عده‌ای مشترکاً مالی را غصب کند با یک نفر به تنها ی

در کنار عنصر مادی عنصر معنوی نیز برای تحقق اسیلا لازم می‌باشد که عبارت است از «قصد استیلا بر مال دیگری»



۲- حق غیر: منظور از آن حقوق مالی متعلق به دیگری است

(۳) به نحو عدوان: یعنی غاصب باید عالم بر این امر باشد که مال متعلق به دیگری است و آن را عامدًا از ید صاحب مال خارج کند و خود بر آن مسلط شود. م ۳۰۸ در کنار تعریف «غضب» به بیان فرضی می‌پردازد که در آن شخص غاصب نیست، اما احکام غصب در مورد او اجرا می‌گردد و او کسی است که بدون مجوز بر مال غیر اثبات ید می‌کند و در اصطلاح عمل او «در حکم غصب» می‌باشد (ر. ک. م. ۳۱۰ ق. م)

* در موردی که شروع به استیلا با مجوز است ولی ادامه‌ی آن بدون مجوز، باز هم شخص مستولی در حکم غاصب است.

(غضب و آن چه که در حکم غصب است از لحاظ حقوقی هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند و جه امتیاز آن دو از لحاظ کیفری می‌باشد)

* آثار غصب: (م ۳۱۱ ق. م)

(۱) رد عین در صورت بقای مال مخصوصه

۲) رد بدل به مالک در صورت تلف شدن مال مخصوصه یا غیر ممکن بودن رد آن به مالک

* توضیحات : تا زمانیکه عین مال باقی باشد ، غاصب مکلف به برگرداندن عین آن خواهد بود و نوبت به رد بدل نمی رسد، یعنی غاصب نمی تواند مال دیگری را به مالک بدهد ، اگر چه ارزش اقتصادی آن به مراتب بیش از مال مخصوص به باشد کما این که که غاضب را نمی توان مجبور به این کار نمود.

اگر هم عین تلف شده باشد و مثلی باشد غاصب موظف خواهد بود مثل آن را بر گرداند و نمی تواند قیمت مال را به جای آن پرداخت نماید ، مگر این که مال تلف شده قیمتی باشد

* مطابق م: ۳۱۳ ق.م در صورت بقای عین، غاصب مکلف به رد آن به مالک می باشد، اگر چه در عین مستلزم هزینه های سنگین و مشقات فراوان باشد.

*مثال : اگر کسی گندم متعلق به غیر را غصب و با جوی خود مخلوط کند، از آن جا که امکان جدا کردن این دو غله از یکدیگر وجود دارد غاصب مکلف خواهد بود، گندم دیگری را دانه دانه جدا کرده و به او برگرداندگرچه این کار در نهایت دشواری است ؛ اما اگر کسی روغن متعلق به غیر را با روغن خود در آمیزد از آن جا که امکان جدا سازی آن ها وجود ندارد ؛ غاصب و مالک شرکای قهری آن محسوب خواهند شد و علاوه بر سهم مالک خساراتی نیز باید به او پرداخت گردد.

اگر کسی شیر متعلق به دیگری را غصب و با آن پنیر درست کند، نظر غالب سنتی این است که تنها صورت مال تغییر یافته و ترکیب اصلی آن هم چنان برقرار است ، بنا براین عین مال باقی است و باید به مالک برگردانده شود همین گونه است فرضی که در آن کسی با سنگ دیگری مجسمه ای درست کند.

* افزایش ارزش اقتصادی مال مخصوصه :

این عنوان ناظر به موردی است که غاصب در مال مخصوصه تصرفاتی میکند که باعث افزایش قیمت آن می گردد در این فرض باید بین ۲ مورد قائل به تفکیک شد.

(۱) موردی که افزایش قیمت مال مخصوصه به صرفاً ناشی از عمل شخص غاصب است و او چیزی به عین نیفزوده ؛ که در این فرض غاصب مکلف به برگردان عین مال به مالک می باشد و نمی تواند بابت ارزش افزوده ای ناشی از عمل خود مطالبه ای اجرت نماید، (چرا که عمل غاصب محترم نیست)

(۲) موردی که افزایش قیمت مال مخصوصه ناشی از اضافه کردن چیزی بدان از ناحیه ای غاصب باشد؛ که در این فرض ، چنانچه مال متعلق به غاصب که به مال مخصوصه آمیخته شده است ، جدا شدنی باشد ، غاصب

می تواند آن را برداشته و مال مخصوصه را مسترد دارد، اما اگر قابل جدا کردن نباشد؛ غاصب قهراً با مالک شریک می گردد. (م. ۳۱۴ ق.م.)

سوء نیت و حسن نیت در غصب :

می دانیم که مطابق قواعد درغصب بین سوء نیت و حسن نیت تفکیکی قائل نشده اند و آثار شدید آن چه بر آن که عدواً مال غیر را غصب کرده باشد و چه بر آن که اشتباهاً چنین کرده بار می گردد

آن جا که غاصب سوء نیت دارد ماخود کردن او به چنین احکامی منطقی می نماید، اما در جایی که غاصب حسن نیت دارد ، منطقی است تعدیلی در قواعد ایجاد شود (بعنوان مثال درجایی که شخص با حسن نیت با سنگ متعلق به دیگری مجسمه ساخته یا با دیگری پنیر درست کرده برای جلوگیری از ورود خساراتی سنگین به چنین غاصبی می توان عین اموال فوق الاشعار را در حکم تلف شده انگاشت)

*نکته مبنای چنین رویکردی به غصب نگاه سنتی به حق مالکیت است که آن را از هر چیزی مهم تر می داند و حتی حسن نیت در برابر آن یا رای استادون نخواهد داشت ؛ اما امروزه می توان با نگاهی جدید ، در کنار حق محترم مالک به حقوق محترم اشخاص با حسن نیت هم توجه کرد و بین آن دو تعادل ایجاد نمود.

*مطابق ماده ۳۱۲ ق.م. اگر مال مخصوصه مثلی باشد و مثل آن پیدا نشود ، غاصب مکلف خواهد بود قیمت حین الاداء آن مال را بپردازد و اگر پیدا شود لکن از مالیت افتاده باشد ، باید آخرین قیمت آن پرداخت گردد

* اگر مال مخصوصه ای تلف شده قیمی باشد ، قانون مدنی مشخص ننموده که غاصب مکلف به پرداخت قیمت چه زمانی است بنا براین به آرای فقهی مراجعه میکنیم.

- برخی از فقهاء می گویند ، باید قیمت زمان غصب پرداخت گردد چرا که در زمان غصب است که غاصب مسئولیت می یابد

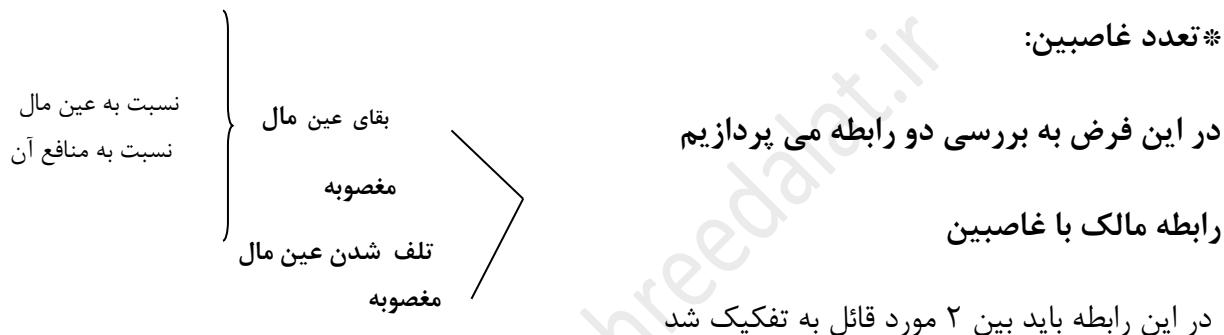
- عده ای دیگر می گویند غاصب باید قیمت زمان تلف شدن مال را بپردازند ، چرا که در آن زمان است که مسئولت به رد عین به مسئولیت به رد بدل مبدل می گردد.

-بعضی هم قائل به این نظریه اند که بایستی بالا ترین قیمت از زمان غصب مال تا زمان تلف شدن آن (باید) پرداخته شود

-پاره ای از فقهاء می گویند بالاترین قیمت از زمان غصب تا حین الاداء باید پرداخت گردد.

-وبالاخره برخی از آنان قیمت حین الاداء را تجویز می کنند (نظریه‌ی اخیر نسبت به سایر نظریات مقبول تر است.

*نکته: اگر عین مال مخصوصه به باقی باشد ، اما بنا به دلایلی رد آن به مالک ، غیر ممکن باز هم باید بدل آن داده شود ، که اصطلاحاً بدان «بدل حیله» گفته می شود چرا که غاصب بین مالک و مالش حائل گشته

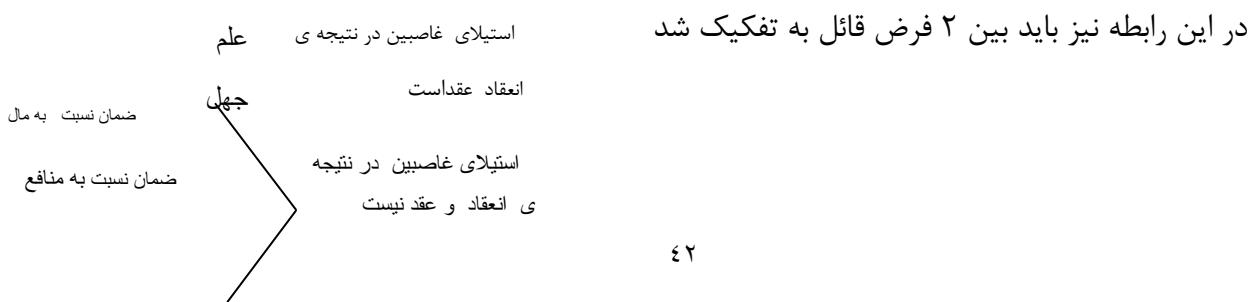


اگر عین مال غصب شده باقی باشد، مالک به هر کدام از غاصبین که خواست می تواند مراجعه کرده و استرداد عین را بخواهد ، چرا که مسئولیت غاصبین نسبت به مالک تضامنی است کما این که اگر مال تلف شده باشد مالک به هر کدام از غاصبین که بخواهد می تواند برای مطالبه بدل مراجعه کند (م. ۳۱۷ ق.م.).

مطابق ماده ۳۲۰ ق.م. هر یک از غاصبین ضامن منافع (مستوففات و غیر مستوففات) زمان تصرف خود و بعد از آن می باشد.

نکته در رابطه‌ی مالک با غاصبین ، علم و جهل و سوء نیت و حسن نیت تاثیری ندارد.

۲) رابطه‌ی غاصبین با یکدیگر :



مطابق م. ۳۱۸ ق. م نسبت به عین مال ، ضمان بر عهده‌ی کسی مستقر است که مال نزد او تلف شده است در مورد منافع مال مغضوبه در این فرض نیز حکم ماده ۳۲۰ ق. م. جاری است .

اگر سلط غاصبین بر مال در نتیجه‌ی انجام معامله باشد و خریدار به غضبی بودن در مورد معامله عالم ، او فقط می‌تواند برای گرفتن ثمن به فروشنده مراجعه کند و حق مطالبه‌ی خسارت نخواهد داشت (ر.ک. مواد ۳۲۴ و ۳۲۶ ق. م.) ولی اگر جاهل باشد ، علاوه بر ثمن می‌تواند خسارات را نیز مطالبه کند. (م. ۳۲۵ ق. م)

استیفاء

یکی دیگر از اسباب ضمان قهری استیفاست و منظور از آن « بهره مند شدن از مال یا عمل دیگری می‌باشد.» ماده‌ی ۳۳۶ ق. م. استیفا از عمل دیگری و ماده ۳۳۷ همان قانون استیفاء از مال دیگری را مطرح کرده است بین این دو نوع از استیفاء به لحاظ محتوایی هیچ تفاوتی وجود ندارد.

-سؤالی که در اینجا قابل طرح است این است که چرا قانونگذار استیفا را از اسباب ضمان قهری می‌داند در حالی که به نظر می‌رسد در آن توافقی بین طرفین صورت پذیرفته است؟

اجمالاً می‌توان گفت استیفاء عقد نیست عده‌ای استیفاء را شبه عقد می‌دانند اما این بحث در نظام حقوقی ما اساساً مطرح نیست حتی گاهی در استیفاء ترازی حداقلی هم بین طرفین وجود ندارد و در مواردی نیز توافقی اجمالی بین طرفین صورت می‌گیرد. مثلاً شخصی در ترمینال اتوبوسرانی به یکی از باربرها می‌گوید ، اسباب مرا تا دم اتومبیل بیاور و من مبلغی پول به تو می‌دهم ، بدون آن که مشخص کند اسباب چیست ، اتومبیل کجاست و چه مبلغی خواهد پرداخت

بنا براین در مواردی که بین طرفین توافق و تراضی وجود دارد ، اما برخی ارکان صحت عقد (مثل معین بودن موضوع معامله در مثال مزبور) وجود ندارد، به نحوی که نمی‌توان گفت بین طرفین عقدی منعقد شده است، می‌توان رابطه‌ی آن‌ها در قالب تراضی تبیین کرد.

-در استیفا باید اجرت عرفی (اجره المثل) پرداخت شود.

*شرايط تحقق استیفاء:

۱) درخواست از دیگری : برای تحقق استیفاء شخصی باید از دیگری درخواست کند که کاری انجام دهد والا اگر شخصی خود سرانه کاری را انجام دهد نمی تواند از او از باب استیفا پول بگیرد.

۲) انجام درخواست : عامل بایستی در مقابل درخواست کننده ، همان کار خواسته شده را انجام دهد

۳) اجرت دار بودن کار درخواستی : بایستی عرفً و نوعً به کار درخواست شده اجراتی تعلق گیرد و اگر هم عادتاً اجرایی ندارد، شخص عامل برای گرفتن اجرت آن کار را انجام دهد.

در این صورت است که درخواست کننده مکلف به پرداخت اجرت می باشد

*نکاتی در باب استیفاء:

۱) اگر کسی از دیگری بخواهد که کاری برای او انجام دهد ، طرف مقابل هیچ تعهد و الزامی به انجام کارنخواهد داشت . اگر انجام دهد که مستحق اجره المثل است و اگر هم خیر که خیر حتی اگر قسمتی از کار را هم انجام دهد مکلف به اتمام آن نخواهد بود و می تواند آن را در نیمه‌ی راه رها کند مگر در مواردی که استثنائً از اوضاع و احوال چنین الزامی استنباط شود

۲) اگر کاری که انجام می پذیرد عرفً دارای اجرت باشد و طرف مقابل مدعی شود که آن شخص مجاناً آن عمل را انجام داده است ، اوست که باید قصد تبرع طرف مقابل را اثبات نماید لکن اگر عرفً به آن عمل اجرتی تعلق نگیرد و عامل مطالبه‌ی اجرت کند، اوست که باید اثبات نماید برای اجرت آن کار را انجام داده است

م ۳۳۶ ق. م مقرر می دارد: « هرگاه کسی بر حسب امر دیگری اقدام به عملی نماید که عرفً برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص عادتاً مهیای آن عمل باشد عامل مستحق اجرت عمل خود خواهد بود مگر این که معلوم شود که قصد تبرع داشته است.

تبصره (مصوب ۱۳۸۵): چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً بر عهده‌ی او نبوده و عرفً برای آن کار اجره المثل باشد، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده است و برای دادگاه نیز ثابت شود دادگاه اجرت المثل آن را محاسبه و به پرداخت آن حکم می نماید.»

*اداره‌ی فضولی مال غیر:

مطابق م. ۳۰۶ ق.م قاعده‌تاً هیچ کس حق دخالت در امور دیگری را ندارد، مگر آنکه مأذون باشد یا من باب ولایت در امور دیگری دخالت کند . اما استثنائاً قانونگذار در شرایطی ویژه امکان مداخله در امور دیگری را ایجاد کرده است. اگر آن شرایط در شخص جمع گردد و به استناد آن در امور دیگری مداخله کند، می تواند هزینه هایی را که در این راه متحمل شده است مطالبه کند.

* شرایط : (م ۳۰۶ ق. م)

۱) ناتوانی مالک در اداره‌ی اموال خویش

۲) ضرورت اداره اموال او (اولاً امکان تحصیل اجازه از مالک وجود نداشته باشد ؛ ثانیاً در صورت عدم مداخله آن مال از بین برود

۳) مداخله گر ، از این کار قصد احسان داشته باشد.

چنین شخصی می تواند هزینه های را که برای اداره مال دیگری انجام داده است از او پس بگیردشاید بتوان گفت « اداره‌ی فضولی مالی غیر» در چنین شرایطی تعبیری نادرست است ، زیرا همین که قانون اجازه می دهد که چنین عملی صورت گیرد قانونی است و فضولی نیست . علی ای حال فضولی نامیدن آن از این حیث است که بدون اجازه‌ی صاحب مال باشد

